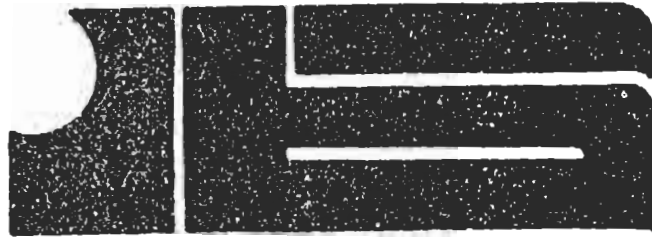


مرکز بر امپریالیسم
امریکا
دشمن اصلی خلق ما



کارگران و زحمتکشان
متحد شوید

ارگان سراسری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سال دوم شماره ۶۲

چهارشنبه ۲۱ خرداد ۱۳۵۹

۱۶ صفحه - قیمت ۲ روزه

بیانیه و اطلاعیه

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

درباره انشعاب «اقلیت»

● انشعاب «اقلیت» نقطه عطف دیگری در

تاریخ سازمان و در راستای تجهیز هر چه

بیشتر آن به مارکسیسم - لنینیسم است

● آنهایی که به هر مصلحتی بر اختلافات
ایدئولوژیک بر سر اصول سرپوش گذارند، دشمن
وحدت و انسجام تشکیلات کمونیستی هستند.

در صفحات ۱۲ و ۱۳

اینک «اقلیت» با انتشار نشریه‌های با استفاده از نام «گار» ارگان
سراسری سازمان، انشعاب خود را از سازمان چریکهای فدائی خلق ایران رسمیت
بخشیده است.

به دنبال انشعاب «اقلیت» که علیرغم تمام تلاشها و امپالفاهای رهبری
سازمان صورت گرفت، سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در تاریخ چهارشنبه
۲۱ خرداد ماه ۱۳۵۹ «اتحادیه» و «بهائیه» ای انتشار داد که در صفحات ۲ و
۱۳ این شماره درج است.

لازم به یادآوری است، انشعاب «اقلیت» که در پوشش «سازمان ایدئولوژیک
علنی» و با انتشار مواضعشان در نشریه‌های جداگانه با نام و عنوان «گار»
انجام یافته است، ضرورت انتشار «ضمیمه» ارگان سراسری سازمان را که بر
اساس توافق قبلی برای درج و انتشار نظرات «اقلیت» و «اکثریت» اختصاص
یافته بود منقضی کرده است.

همچنین یادآوری می‌کنیم به منظور جلوگیری از اغتشاش که شیوه غیر
کمونیستی انشعاب «اقلیت» در اذهان مردم به وجود آورده است، از این
شماره «گار» با قید ارگان سراسری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
انتشار می‌یابد. سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

کنفرانس بین‌المللی بررسی مداخلات آمریکا

گامی در جهت افشای امپریالیسم

در صفحه ۱۰

جرا تلبعات و تلبعات

علمه سازمان

تبدیل گرفته است!

در صفحه ۲

مردم ما خواهان سرنگونی رژیم امریکائی

پاکستان هستند نه همکاری با آن

آقانه‌ی وزیر خارجه شرکت وزیر خارجه ایران
حکومت سرسپرده جمهوری برگزار کردند.
اسلامی پاکستان و حبیب حل مساله افغانستان به
شطی دهبکرل کنفرانس شیوه امریکائی که رژیم
اسلامی که یکی از مقام‌های پاکستان و دربار عرسا
رژیم منصور تونیس است در سعودی از جانب امپریالیسم
همه گذشته برای به اصطلاح امریکا مسئولان اصلی برگزاری
حل مساله افغانستان وارد و اجرای آن هستند. بدون
ایران شدند و در ۱۲ تا ۱۶ شک هدفی جز تامین منافع
عرداد نخستین جلسه کمیته امپریالیسم جهانی را ندارد.
بررسی مسایل افغانستان را با
بقیه در صفحه ۱۲

مزدوران امپریالیسم در غرب کشور

خرابکاری می‌کنند
در صفحه ۷

در این شماره

گرامی باد خاطره مبارزات خونین کارگران کوره پوخانه‌های تهران

در صفحه ۱۶

● دوگرایش انحرافی منحصر جیش کارگری ایران
را تهدید می‌کند: ۱- تاژکوسدیکالیسم
(قسمت آخر) ۲- رفرمیسم
در صفحه ۶

● شکست سیاست‌های
امپریالیستی در مورد
بحریم بازی‌های المپیک
در صفحه ۱۶

● سوونو: فریاد سباهان افریقای جنوبی

عنه تبعض نژادی و بردگی
(بعد از سوونو آفریقای جنوبی دیگری
هرگز مانند گذشته نخواهد بود)
در صفحه ۵

● مبارزات پرسنل
انقلابی ارتش علیه
عوامل جنگ افروز و
فرماندهان سرسپرده
ارتش
در صفحه ۱۵

● روابط یولی و سلطه امپریالیسم (در باره قطع رابطه ریال و دلار) قسمت اول
در صفحه ۱۲

بگوشیم تا با استقرار صلح در کردستان وحدت مردم میهنمان را

علیه امپریالیسم آمریکا تحکیم بخشیم

تکثیر از سازمان دشمنی زین برسد

سادآور
حلقهای
خلق ما
لمی شاه
بریدند
ملاحظات
استثمار
و شان
سارزه
پالیسم
شکل
بتانها
کننه
سازات
را در
متکش
ارتس
رفتند
کنشار
بانگ
است
وهای
را با
وینی
بوش
سورد
اخت
اد و
دیگر
لمی
شین
کار
بون

بیانیه

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

دربارهٔ انشعاب «اقلیت»

جنبش کمونیستی ایران در سنجش با اپورتونیزم چپ و راست و در روند شکوفا ساختن اندیشه جهانشمول مارکسیسم - لنینیسم اینک گامی دیگر به پیش برداشته است.

پیکار بر خیزند این تشادها در احزاب و سازمانهای انقلابی که جبراً این روند را در خود منعکس می سازند، عمیق تر و آشکارتر می گردند.

بر اساس مارکسیسم - لنینیسم پدید آورد، هرگز نخواهد توانست در پهنه پیکار طبقاتی پیشتاز و پیروز باشد.

سازمان ما که زود از خون شهیدان بر بسته است و همواره پرچم پر تاب ترین عرصه های رزم را به کف داشته است، گرچه در مروج ستاره سرخ آرمان کارگران با به راه رزم نهاد و رزمندگان یک به یک در تیش همین ستاره خورشید به پیکار برخاستند و بر سینه شهیدانش نقش همین ستاره بر نشسته است.

سازمان ما با انشعاب انجام ندیده روبرو هستیم که باید آنرا اعلام کنیم و توضیح دهیم.

انشعاب «اقلیت» در تاریخ سازمان تا نقطه عطف دیگری است که ما را هر چه بیشتر از پیرامونهای غیر مارکسیستی جدا ساخته و به آینده های امید آفرین و پیروزنده پیوند می دهد.

اینک سازمان ما با آرمان تحقق سوسیالیسم، با کولمباری از چهارپ ده سال پیکاری پیگیر و خونین با دشمنان خلق، با کولمباری از چهارپ پیکار با اپورتونیزم چپ و راست در پیوند با جنبش طبقه کارگر و جنبش ضامن کمونیستی - دگرگانی خلقهای جهان در راه بهره گیری هر چه بیشتر از دستاوردهای انترناسیونالیسم پروлетری در راه تجهیز هر چه بیشتر به اندیشه دوران ساز مارکسیسم - لنینیسم، در راه تشکیل حزب طبقه کارگر و تامین رهبری پرولتاری در جنبش خلق، مبارزاتی پیگیر را به پیش می راند.

انشعاب «اقلیت» در تاریخ سازمان تا نقطه عطف دیگری است که ما را هر چه بیشتر از پیرامونهای غیر مارکسیستی جدا ساخته و به آینده های امید آفرین و پیروزنده پیوند می دهد.

آن زمان که تضادها عمیق باید و آنزمان که دو پیشش متضاد در درون سازمان شکل گیرد و حرکت انجمام یافت و اصولی آن را با موانع جدید روبرو سازد، آن زمان که تلاشهای مبارزاتی با جز بندیه های اصولی بدل شوند، دیگر جنبشهای از تشکیلات واحد کمونیستی بدون پیروزی هر چه مبارزه اپورتونیزم قادر نخواهند بود در عرصه طبقاتی پیروز گردند.

انشعاب «اقلیت» از پایان بلنوم یکم به جای اینکه سرور سازمان به مبارزه اپورتونیزم بپردازد و انحرافات خود را تصحیح کند، علیرغم مخالفت های مکرر مرکزیت، بر تشکیل فراکسیون اصرار ورزید و فراکسیون تشکیل داد و مدت هفت ماه تمام به تدوین نظرات خود گذراند؛ بی آنکه در این مدت نظرات خود را با دیگر رفق در میان گذارد. «اقلیت» می خواست نظرات خود را در تنهایی

تضادهای اپورتونیزم، بازتاب تضادهای طبقاتی هستند در آنزمان که مبارزه طبقاتی اوج گیرد و تودمها به

مارکسیسم - لنینیسم که خود معمول سنجش تاریخچه پرولتاریا با پیروزی است. همواره با اپورتونیزم چپ و راست یعنی با پیروزنده اندیشه های خرد سوزنی و پیروزی در جنبش کمونیستی در سنجش بوده و از جمله در روند همین سنجش پیگیر و پویا شکوفا می گردد.

آنکه در پیکار با اپورتونیزم و رویزونیسم یعنی در پیکار با ایده های خرد سوزنی و پیروزی نفوذ یافته در جنبش کمونیستی پیروز گردد پیش از آنکه مارکسیسم - لنینیسم را بر بطن خود شکوفا گرداند، بدین گونه وحدتی اصولی

راهی که باید بر راه پرولتاریا منطبق می گشت، ماجراجویی انقلابی بر بستر بحرانی که کل جنبش کمونیستی ایران را فرا گرفته بود، مانعی بازدارنده در راه تحقق آرمان پیوندگان این راه بود اما فدائیان خلق هرگز از پویایی باز نایستادند و هر زمان در راه تجهیز به اندیشه مارکسیسم - لنینیسم گام های بزرگتری را به پیش برداشتند و اکنون در روند همین تحول، «اقلیت» با انشعاب خود شکست آوانتوریسم انقلابی را از اندیشه پرولتاریائی سازمان ما اعلام

آن حزب و یا سازمانی که از انشعاب برخیزد و در مبارزه اپورتونیزم راه معاشات در پیش گیرد، از مارکسیسم - لنینیسم دور بوده و به گمراه می رود. آنهایی که به هر مصلحتی بر اختلافات اپورتونیزم بر سر اصول سرپوش گذارند و به بهانه های مختلف آن را پنهان نمایند، خادمین آگاه با نگاه اپورتونیزم و دشمن وحدت و انجمام تشکیلات کمونیستی هستند.

تضادها عمیق باید و آنزمان که دو پیشش متضاد در درون سازمان شکل گیرد و حرکت انجمام یافت و اصولی آن را با موانع جدید روبرو سازد، آن زمان که تلاشهای مبارزاتی با جز بندیه های اصولی بدل شوند، دیگر جنبشهای از تشکیلات واحد کمونیستی بدون پیروزی هر چه مبارزه اپورتونیزم قادر نخواهند بود در عرصه طبقاتی پیروز گردند.

آن حزب و یا سازمانی که از انشعاب برخیزد و در مبارزه اپورتونیزم راه معاشات در پیش گیرد، از مارکسیسم - لنینیسم دور بوده و به گمراه می رود. آنهایی که به هر مصلحتی بر اختلافات اپورتونیزم بر سر اصول سرپوش گذارند و به بهانه های مختلف آن را پنهان نمایند، خادمین آگاه با نگاه اپورتونیزم و دشمن وحدت و انجمام تشکیلات کمونیستی هستند.

آن حزب و یا سازمانی که از انشعاب برخیزد و در مبارزه اپورتونیزم راه معاشات در پیش گیرد، از مارکسیسم - لنینیسم دور بوده و به گمراه می رود. آنهایی که به هر مصلحتی بر اختلافات اپورتونیزم بر سر اصول سرپوش گذارند و به بهانه های مختلف آن را پنهان نمایند، خادمین آگاه با نگاه اپورتونیزم و دشمن وحدت و انجمام تشکیلات کمونیستی هستند.



بیانیه

سازمان ...

مبارزه ایدئولوژیک دفاع می‌کردند. در "کردار" از ارائه نظرات خود به تشکیلات طفره رفتند. پس از هفت ماه کار جدا از سازمان، رفقا بالاخره موفق شدند همان تعبیر سهل انگارانه، ذهنی و چه نگران راجع در سطح جنبش را به شکلی دیگر بمنوان نظریات مشخص تدوین کنند. و به دنبال آن به رهبری سازمان اتمام حجت دادند که چنانچه سدید که نظرات آنها بطور جداگانه در ارگان سراسری کار و نبرد خلق انتشار باید خود راسا با انتشار "نشریات" دست به اعلام مواضع خواهند زد.

سازمان جزوات حاوی نظرات رفقا را درون سازمان توزیع کرد تا به بحث گذاشته شود، لیکن به عکس پیش‌بینی آنان به علت آشنائی رفقا با این تحلیل‌ها که قبلا از طرف راه فدائی، پیگار و رامکار مطرح شده بود از آن بحث‌ها در درون تشکیلات استقبال نشد. آنها خوب می‌دانستند به مبارزه ایدئولوژیک بدین شیوه نمی‌توانند امید داشته باشند به همین دلیل بود که روی عملی شدن مبارزه ایدئولوژیک - اصرار داشتند. سازمان با این که اجرای پیشنهاد اقلیت را عملا جدائی سازمانی در پوشش مبارزه ایدئولوژیک عملی می‌دانست، پس از محاسبه تمام تاثیرات مثبت و منفی که قبول یا رد این پیشنهاد بر جنبش به‌جای می‌نهاد با آن موافقت کرد و فرار شد در غنیمت شریبه کار نظریات هر دو جریان اکثریت و اقلیت استوار باید. هدف اصولی ما از پذیرش مبارزه ایدئولوژیک عملی با اقلیت بازهم بیشتر معرود ساختن آوانتوریسم در سطح جنبش کمونیستی ایران بود. اما اینکه چرا سازمان موطف بود نظریات دو جریان را در ارگان‌های سازمان مطرح سازد بدین دلیل بود که برخورد خودبینانه یکجانبه و غیر مسئولانه آنان با مسالمان و آرم سازمان و نشریات آن برای انتشار نظریات خود ما را بر آن می‌داشت که با مساله آرم و نام برخوردی مسئولانه داشته

باشیم و بگوئیم در ذهن مردم اغتشاشات فکری پدید نیاید و اجازه ندهیم که بر پایه اغتشاش فکری آمو بسج شود. اکثریت با درک عمق انحراف نظریات اقلیت، نه تنها نمی‌توانست از عملی شدن مبارزه ایدئولوژیک و اهمای ناشته باشد، بلکه حاضر بوده است بعد از اینکه رفقا نظراتشان را انتشار

نظر ما نمی‌تواند جز این باشد که انتحاب را انجام شده اعلام نعالیم. اعلام این انتحاب گرچه اعلام شکست آوانتوریسم از مارکسیسم - لنینیسم و سقوط سنگر آن در سازمان بود، با این همه اکنون انتحاب مشکلات را پیشروی سازمان است. این است آن روشی که با آن زور زدیم.

"اقلیت" پس از هفت ماه کار جدا از سازمان، همان تعبیر سهل انگارانه ذهنی و چه نگران راجع در سطح جنبش را به شکلی دیگر به منوان "نظرات مشخص" تدوین کردند. سازمان جزوات حاوی نظرات رفقا را درون سازمان توزیع کرد تا به بحث گذاشته شود، لیکن برعکس پیش‌بینی آنان در درون تشکیلات مورد استقبال قرار نگرفت.

جوهر تفکر منزهین آنها را بر آن داشته است که همانند اشرف دهقانی گمان برد که این نام سازمان است که مجرزه می‌کند، که این نام "کار" است که نیرو بسج می‌کند، آنها گمان دارند که آرم و نام است که به ایدئولوژی و خط مشی محتوی و اعتبار می‌بخشد. ما اصلا اینطور فکر نمی‌کنیم ما انقلابیون کمونیست هستیم و کمونیسم را بیانگر هویت تاریخی - طبقاتی خود می‌شماریم. این چیزی است که ما هرگز از آن دست برنخواهیم داشت و هم از این روست که ما هر نام و عنوان مشخص را برای خود تابع مصالح و منافع عملی و مشخص جنبش کمونیستی ایران می‌دانیم. خط خواهد بود هرگاه گمان کنیم که آوانتوریسمی که در پهنه جهانی و در عرصه تاریخ سیرافکنده و سنگرها کرده است، بازهم بتواند حتی با گرو گذاشتن تمام اعتبار ۱۰ ساله سازمان و نام و عنوان آن مارکسیسم - لنینیسم را از میدان به در کند. نیز بدانیم که چنین کوششی خون شهیدانی را که در سرود "پروژه یاد کمونیسم" شهادت را در آغوش کشیدند، لوث خواهد کرد. "اقلیت" هنوز درک نمی‌کند و نمی‌داند که تکیه بر توهم نیروها، تکیه بر اغتشاش فکری نیروها، تکیه

ضعف و تکیه بر زوال حتمی است. اینها نمی‌دانند که زوال آوانتوریسم نه در سازمان ما، نه توسط رهبری سازمان، نه به علت نفوذ چند اپورتونیست در سازمان! و نه بطت نظرات‌های آنان، بلکه در نتیجه دگرگونی شرایط عینی، اضافه مارکسیسم - لنینیسم و رشد ظهوریک و غنای تجربی فکرائین جنبش کمونیستی ایران بوده است. آنها بدین تکیه اپورتونیسم چه آوانتوریسم را در عرصه جهانی نمی‌بینند، به همین علت برجم آن را در این گوشه از جهان برافراشتند.

انتخاب "اقلیت" اکنون وظایف مهمی بر عهده همه اعضای سازمان، همه رفقای هوادار، همه انقلابیون کمونیست و دیگر نیروهای انقلابی گذاشته است. اپورتونیسم چه و راست به عبت در این آندیشاند که از این انتحاب در جهت ضربه وارد آوردن بر سازمان ما بهره‌گیری کنند. انقلابیون کمونیست و در راس همه، فدائیان خلق، در این زمان وظایف سنگینی برعهده دارند. اپورتونیسم

شکبائی و قاطعیت کمونیستی و صرفا در حوزه ایدئولوژیک سیاسی به مبارزه ایدئولوژیک و به دفاع از مواضع سازمان و حاکمیت تاریخی آن برخیزند.

اکنون تک تک رفقای عضو و رفقای هوادار مسئولیت و وظیفه‌های تاریخی برعهده دارند. همه با هم بگوئیم تا در سنگر استوار، پوشکوه مارکسیسم - لنینیسم، پیگار با اپورتونیسم چه و راست را به پیش رانیم و در پرتو وحدت بولادین سازمان افتخارآفرینان، با نیرو شکوفائی مارکسیسم - لنینیسم را دامن زیم، به مارکسیسم - لنینیسم مجهز شویم و تا پای جان برچشم افتخار آرمان پرولتاریا را برافراشته نگاهداریم. رفقا!

راهی سخت و دشوار پیش داریم. دست به دست هم از دملیز خون گذشتاریم. فرازا و فرودها را دیداریم. طعم شکست و پیروزی را چشیداریم، و اینک با کولمباری از آزمون‌های سترگ پیگاری خونین، در وحدت با جنبش جهانی کمونیستی، در پیوند با کارگران و

وظیفه همه رفقا می‌دانیم که در برخورد با اپورتونیسم چه و راست تمامی توان ایدئولوژیک - سیاسی خود را به کار گیرند و با متانت، شکبائی و قاطعیت کمونیستی و صرفا در حوزه ایدئولوژیک - سیاسی به مبارزه ایدئولوژیک و به دفاع از مواضع سازمان و حاکمیت تاریخی آن برخیزند.

رنجبران میهنان ما به راه پیروزی‌های نوینی گذارداریم. ما به شکل گروه فشرده کوچکی در راهی پر از پرشکوه و دشوار دست پیگاری را محکم گرفته و به پیش می‌رویم. دشمنان از هر طرف ما را در محاصره گرفته‌اند و تقریبا همیشه باید از زیر آتش آنها بگذریم. اتحاد ما بنا بر تصمیم آزادانه ما است. تصمیمی که هانا برای آن گرفتاریم که با دشمنان پیگار کنیم و در منجلاص مجاورمان در نطفیم که سکنش از همان آغاز ما را به علت اینکه بصورت دسته خاص، جدا شده نه طریق مصالحه بن طریق مبارزه را برگزیداریم، سرزنش نمودماند.

سازمان حرکت‌های فدائی خلق ایران

(لنین صفحه ۷۲ کلمات)

جرا تلبیعات و شایعات علیه سازمان شدت گرفته است؟!!

در شرایط کنونی از هر طرف سازمان ما آماج حملات تبلیغاتی قرار گرفته است که آشکارتر از هر موقعی مدبوحانه موجی صحنه بازنشسته بیضانه نیروی عمده جنبش کمونیستی ایران است. این حملات نشانده آن است که سازمان ما در مسیر تحکیم موقعیت انقلابی خود گام‌های استواری به جلو برداشته است. تبلیغات و شایعات علیه سازمان ما، در حقیقت نشانه دیگری از بدست سارزه طبقاتی است و نشان می‌دهد که چگونه منارعات طبقاتی در جامعه شناسی تازه ناسه و صفندی نیروها برای حفظ و پاسداری از منافع و آرمانهای طبقاتی خود پیش از سس عمق می‌یابد و آشکارتر می‌شود.

بهره‌گیری از "تبلیغ" و سس تبلیغاتی یکی از سوسها و حربهای موری است که طبقات ستمگر در مبارزه خود علیه بودهای محروم پیوسته به کار گرفته‌اند. استفاده از تبلیغات ساطعای طولانی و نارحی نارد ولی این به ویره در نوزان سرمایه‌داری و عصر امپریالیسم است که "تبلیغات" کاربرد گسترده و پیچیده می‌یابد.

مردم ما به هیچ روی با جنگ تبلیغاتی امپریالیسم بیگانه نیستند. هرچه مبارزات مردم جسم‌اندازهای روشن‌تری از سروری بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و متحدین داخلی آن برسیم می‌کند به همان اندازه جنگ روانی و تبلیغاتی دشمن مردم، برای بی‌اعتماد کردن سازمان‌های ساسی انقلابی، صدامپریالیست و برهمنخواه و نه ویژه برای بی‌اعتماد کردن بودهای سست به کمونیستها که ستمگرترین منارین علیه امپریالیسم و طیف سرمایه‌داری هستند، افراست می‌یابد.

مخالف و حربیات "تبلیغی" که ساکتر کابون‌جای علی‌سنا و پیمان‌کون درمید، در هستند، در کسرس تبلیغات ضد کمونیست نقش نا احمسی بر عهده دارند. هم‌اکنون بحس قابل ملاحظه‌ای از بی‌روغ بردارینا شایعات و حملات علیه سازمان ما توسط این مخالف سازمان می‌یابد.

تبلیغات ضد کمونیستی سها به امپریالیسم و متحدان آن مربوط نمی‌شود. همه آنان که در حفظ مالکیت خصوصی دستفراست و همه کسانی که از سوسالیسم تر هراسند، در این تبلیغات به درجات مختلف سهم و نقش دارند.

تبلیغات صدا و سماعی جمهوری اسلامی یک نمونه از آن است. هر هفته هزاران صفحه به تبلیغات ضد کمونیستی اختصاص می‌یابد و میلیون‌ها تومان خرج

رساند که خود اقلیت برای آن تلاش می‌کند. مثلا "حزب خوده" از اقلیت عنوان افلسی در مرکزیت" یاد می‌کند در حالیکه ماههاست که هیچ نیرویی که به اقلیت نسبت نابد در مرکزیت سازمان ما ط ندارد. در ناسی "حزب خوده" با زبرکی تمام کوس می‌کند مسئله اختلاف اقلیت را به سرفالهای اخیر "کار" مربوط کند در حالیکه "حزب خوده" که خود اساد سسکاری بنده بلوم را مسر کرده‌است، بحوسی می‌داند که اقلیت سازمان ما، ماههاست که سکل کوفه و از انعاد و عمق اختلافات ما سز مطلع است "حزب خوده" خوب می‌داند که اختلاف ما با اقلیت پیش از هر چیز بر سر سس و جهان‌سی طیف کارگر است. اختلاف بر سر تحلیل از خاکست و سراط محص. یک وجه این اختلاف است. کوس "حزب خوده" در حقیقت برای برده‌موسی عمق اختلافات ما با اقلیت و فرست بودهای هوادار ما است.

این و ساسی را ستمگر می‌کند که از نظر افلاسون کموس" ایران مانع دسسی طیف کارگر به ساست مسعل و ناسر رهبری آن در سطح حسن سسند امپریالیستی است. در تبلیغات خود کوس می‌کند ساسها و ممدعات سازمان را بر دسک به ساسها "حزب" معرفی کند تا اولاً برای ساست ورکسه خود اعسار کند و ساسا ما صمص بومست سازمان در مان روسفکار انقلابی و حرک و برانگسز آنان علیه سازمان، امروز سازمان و سروه را به طلاف کسند و ما را از انجام و نقایب مرم بردارد.

این نحوه برخورد "حزب" السد با سکرهای دیگری سز در جهت نام ردن به "بوم نزدیک سازمان به حزب همراه است به برانگسز شایعات حملات و بالاخره بحریک احسای هواداران از حمله سکردهائی است که "حزب خوده" برای حناکرس سازمان از

ابوروسم جب با احلالی که در اعتلا و سکوفائی اندسهای برولناریائی در حسن به وجود می‌آورد، به گونه دیگری با سوسالیسم و با آگاهی و سکل طیف کارگر دسسی می‌وزرد و اس دسسی را حتی به سمت دست رس به ساسفراکسی‌های کسه - نوزام بورژوائی علیه حسن کموسی ادامه می‌دهد.

از سوی دیگر ابوروسم راست و مسحا "حزب خوده" همان اهداف را با محملانه سس سروهها تعقیب می‌کند.

"حزب خوده" جسس ارربایی می‌کند که در صورت اعفای انحرافی در سازمان ما، سازمان از انجام وظایف انقلابی که بر عهده دارد، باز خواهد ماند. از بودهای حنا خواهد شد از مارکسسم - لسنیم فاصله خواهد گرفت. از سکل و سرامدهی طیف کارگر و ناسر

تبلیغاتی می‌شود که حتی توسط نیروهای صدامپریالیست، برای بدبین کردن نودههای مردم نسبت به کمونیستها و مسحا سازمان ما صورت می‌گیرد. در هفتمهای اخیر علاوه بر محافل و کابون‌های موری، ابورتونیسیم جب و راست نیز که حامل ایدهها و غلابق بورژوائی و حردم بورژوائی در جنبش کموسی است، در محتسای دیگر و متفاوت با آنچه که با کوس گشم، با نیوههای خاص خود، علیه سازمان ما تبلیغات همجانهای را سازمان دادند.

ابورتونیسیم جب با، به راه انداختن هیاهو و جنجال و نا استفاده از شور و هیجان انقلابی نیروها، انقلابی‌گری خود را به رخ می‌کشد و در پیوس انقلابی‌گری میان‌سهی می‌خواهد برای خود جا باز کند تا زوال خود را به ناخبر اندازد.

ابورتونیسیم جب برای حفظ خود به هر قیمت، در صمص سازمان و دلسرد کردن صدها هزار سروری صابر و سروری که سسه آماده بویه است علیه دشمن مردم ما دست به امبارده و در راه زهائی حلو از سطلطه امپریالیسم جهانی سرکردگی امپریالیسم آمریکا با فداکاری و انار به منارده ما باز حن ادامه دهد به تلاش‌های - حامل و مدبوحانه‌های دست برداشت ابوروسم جب تا سها سونی که به راه می‌اندازد، سها عماد و هراس خود را از بحبر هرچه عموسر سازمان به مارکسسم - لسنیم س ناس می‌کنارد و سس سز که نا حه ناسه به غلابق و حبا سسی حرد - بورژوائی آلوده است.

سزائی تبلیغات ابوروسم جب تا سمد ادا و اطوارهای مارکسسی که در می‌آورد، مسحون از سسز با جهان سسی طیف کارگر و بحمل نفوس روسفکاره خود بر واقسهای رنده و جاری سارزه طبقاتی است محور تبلیغات ابوروسم جب، سزوی کردن و سهی کردن حسن کموسی از طریق هرچه محدودتر کردن آن در لاک عصاها و خالنافی‌های روسفکاره و در یک کلام حنا کردن هرچه سسز حسن کموسی از بودهایست.

اگر مخالفان سلی با صراحت و آشکارا اهداف از تبلیغات علیه ما را، که دسسی با سوسالیسم است، بیان می‌درند

"حزب خوده" از آن جنوی که می‌برد و سسها سز می‌برد، سسگیری‌های صحیح سازمان را سست، در حقیقت بحبر هرچه عموسر ما به مارکسسیم - لسنیم و انحاد سسگیری‌های صحیح از جانب ما، نافوس مرگ ابورتونیسیم راست "حزب خوده" را در حیس کمونیستی ایران و جهان به صدا در می‌آورد. از این سوس که "حزب خوده" با تمام توان خود تلاش می‌کند که مانع از شکوفائی و اعتلای جنبشی شود که سازمان ما با افتظر تمام در راس آن قرار دارد.

"حزب خوده" در تبلیغات خود کوشش می‌کند سیاستها و معتقدات سازمان را نزدیک به سیاستهای "حزب" معرفی کند تا اولاً برای سیاست ورشکسته خود اعتبار کسند و ساسا با تضعیف موقعیت سازمان، در میان روسفکاران انقلابی و تحرک و برانگسز آنان علیه سازمان، انرژی سازمان و نیروها را به اتلاف کسند و ما را از انجام وظایف مرم بردارد.

زهری آن در حسن صمص امپریالیستی - دمکراتیک حلفهای ایران باز خواهد ماند و در سسحه محکوم به نابودی خواهد بود. "حزب خوده" این را خوب می‌داند که حیات ساسی او دقیقاً مشروط است به نقای ابورتونیسیم جب، آسسم و آوانتوریسیم در این سس که حوان و بالنده و بسور است و این نیز به حوساوردی و هم‌جونی ابورتونیسیم جب و راست مربوط می‌شود. جب و راست به همان سسی که در ظاهر با همدیگر می‌سنیزند به همان نسبت سز با یکدیگر سروطد و از همدیگر نیرو می‌گیرند و نه هم نیازمندند.

بوده‌های هوادار به کار می‌گیرد. در پوسر حله به جب و ناسند گاهگاهی مواضع سازمان "حزب خوده" می‌کوشد متفاوت سروه را نسبت به اسسها و انحرافی که جنبش به دلایل نارحی و طبقاتی سس بنان آلوده است و انقافاً "حزب خوده" در شکل‌گیری آنها نقش بسزائی داشته و نارد، افزایش دهد. تا در تجهیز عمیق‌تر سازمان به مارکسسم - لسنیم احلال به وجود آورد و آن را به تعویق اندازد.

هرچند "حزب خوده" این سیاست را تحت لوای مبارزه با ابورتونیسیم جب و تضعیف آن علم کرده‌است ولی همواره به تقویت ابورتونیسیم جب پاری رسانده و آگاهانه در حمت آن قرار نارد. چکوی برخورد "حزب خوده" با اسس اقلیت ماهیت این سیاست و عطردهای واقعی چنین سیاستی را بیشتر آشکار کرده است "حزب خوده" سسلا کوشش می‌کند تا اقلیت را قدرتمند حلوه دهد. یعنی همان کاری را به انجام

بوده‌های هوادار به کار می‌گیرد. در پوسر حله به جب و ناسند گاهگاهی مواضع سازمان "حزب خوده" می‌کوشد متفاوت سروه را نسبت به اسسها و انحرافی که جنبش به دلایل نارحی و طبقاتی سس بنان آلوده است و انقافاً "حزب خوده" در شکل‌گیری آنها نقش بسزائی داشته و نارد، افزایش دهد. تا در تجهیز عمیق‌تر سازمان به مارکسسم - لسنیم احلال به وجود آورد و آن را به تعویق اندازد.

هرچند "حزب خوده" این سیاست را تحت لوای مبارزه با ابورتونیسیم جب و تضعیف آن علم کرده‌است ولی همواره به تقویت ابورتونیسیم جب پاری رسانده و آگاهانه در حمت آن قرار نارد. چکوی برخورد "حزب خوده" با اسس اقلیت ماهیت این سیاست و عطردهای واقعی چنین سیاستی را بیشتر آشکار کرده است "حزب خوده" سسلا کوشش می‌کند تا اقلیت را قدرتمند حلوه دهد. یعنی همان کاری را به انجام

بوده‌های هوادار به کار می‌گیرد. در پوسر حله به جب و ناسند گاهگاهی مواضع سازمان "حزب خوده" می‌کوشد متفاوت سروه را نسبت به اسسها و انحرافی که جنبش به دلایل نارحی و طبقاتی سس بنان آلوده است و انقافاً "حزب خوده" در شکل‌گیری آنها نقش بسزائی داشته و نارد، افزایش دهد. تا در تجهیز عمیق‌تر سازمان به مارکسسم - لسنیم احلال به وجود آورد و آن را به تعویق اندازد.

هرچند "حزب خوده" این سیاست را تحت لوای مبارزه با ابورتونیسیم جب و تضعیف آن علم کرده‌است ولی همواره به تقویت ابورتونیسیم جب پاری رسانده و آگاهانه در حمت آن قرار نارد. چکوی برخورد "حزب خوده" با اسس اقلیت ماهیت این سیاست و عطردهای واقعی چنین سیاستی را بیشتر آشکار کرده است "حزب خوده" سسلا کوشش می‌کند تا اقلیت را قدرتمند حلوه دهد. یعنی همان کاری را به انجام

زهری آن در حسن صمص امپریالیستی - دمکراتیک حلفهای ایران باز خواهد ماند و در سسحه محکوم به نابودی خواهد بود. "حزب خوده" این را خوب می‌داند که حیات ساسی او دقیقاً مشروط است به نقای ابورتونیسیم جب، آسسم و آوانتوریسیم در این سس که حوان و بالنده و بسور است و این نیز به حوساوردی و هم‌جونی ابورتونیسیم جب و راست مربوط می‌شود. جب و راست به همان سسی که در ظاهر با همدیگر می‌سنیزند به همان نسبت سز با یکدیگر سروطد و از همدیگر نیرو می‌گیرند و نه هم نیازمندند.

زهری "حزب خوده" مبارزه ظاهری خود با ابورتونیسیم جب را به کوفای سازمان می‌دهد که هرچه سسر به تقویت جب و لاجرم به نقای ابورتونیسیم راست مسز شود.

"حزب خوده" که در نزد روسفکاران انقلابی ایران، به مواضع کنونی‌اش برچمدار رفریسیم و سزس طبقاتی

مردم ما به هیچ روی با جنگ تبلیغاتی امپریالیسم بیگانه نیستند. هرچه مبارزات مردم جسم‌اندازهای روشن‌تری از سروری بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و متحدین داخلی آن برسیم می‌کند به همان اندازه جنگ روانی و تبلیغاتی دشمن مردم، برای بی‌اعتماد کردن سازمان‌های ساسی انقلابی، صدامپریالیست و برهمنخواه و نه ویژه برای بی‌اعتماد کردن بودهای سست به کمونیستها که ستمگرترین منارین علیه امپریالیسم و طیف سرمایه‌داری هستند، افراست می‌یابد.

مخالف و حربیات "تبلیغی" که ساکتر کابون‌جای علی‌سنا و پیمان‌کون درمید، در هستند، در کسرس تبلیغات ضد کمونیست نقش نا احمسی بر عهده دارند. هم‌اکنون بحس قابل ملاحظه‌ای از بی‌روغ بردارینا شایعات و حملات علیه سازمان ما توسط این مخالف سازمان می‌یابد.

تبلیغات ضد کمونیستی سها به امپریالیسم و متحدان آن مربوط نمی‌شود. همه آنان که در حفظ مالکیت خصوصی دستفراست و همه کسانی که از سوسالیسم تر هراسند، در این تبلیغات به درجات مختلف سهم و نقش دارند.

تبلیغات صدا و سماعی جمهوری اسلامی یک نمونه از آن است. هر هفته هزاران صفحه به تبلیغات ضد کمونیستی اختصاص می‌یابد و میلیون‌ها تومان خرج

سووتو: فریاد سیاهان آفریقای جنوبی علیه تبعیض نژادی و بردگی

● (بعد از سووتو، آفریقای جنوبی دیگر هرگز مانند گذشته نخواهد بود)



هدایت مبارزات سووتو نقش داشته و از آن پس نیز از طرف دولت غیر قانونی اعلام شده است.

حکومت اقلیت نژاد پرست محکوم به نابودی است!

آفریقای جنوبی از اواسط قرن هفدهم به کنترل استعمارگران هلندی در آمد. در اوائل قرن نوزدهم پس از کشف طلا و الماس در این کشور استعمارگران انگلیسی نیز حملات وسیعی به خاک این کشور نمودند و پس از یک دوره نزاع بین هلندی‌ها و انگلیسی‌ها سرانجام در آغاز قرن بیستم قرارداد صلحی امضاء کردند و به کمک یکدیگر غارت، استثمار و ستم وحشیانه‌ای بر مردم بومی آفریقای جنوبی اعمال می‌نمودند. سرمایه‌گذاری‌های وسیع در بخش معادن رشد صنعتی بی سابقه‌ای در این کشور به وجود آورد اما برای سیاهان نتیجه‌ای جز تشدید استثمار در بر نداشت.

در سال ۱۹۱۰ دولت انگلستان به اقلیت سفید پوست آفریقای جنوبی حق خود مختاری داد و به موجب آن اتحادیه آفریقای جنوبی یا مجلسی که تنها سفیدپوستان در آن شرکت داشتند به وجود آمد. سرانجام در سال ۱۹۴۸ (همزمان با تشکیل دولت صهیونیستی اسرائیل) حزب ناسیونالیست آفریکانز (که حزبی بورژوازی و حافظ اصلی منافع هلندی‌های مهاجر است) قدرت را در کشور به دست گرفت. از آن پس آفریقای جنوبی رسماً تحت سلطه یکی از فاشیستی‌ترین، مرتجع‌ترین حکومت‌های دنیا که سیستم نژادپرستی و آپارتاید را زیر بنای وجودی خود قرار داده است، درآمد.

آپارتاید:

تبعیض نژاد، ستم طبقاتی و استثمار

امروزه ۷۱٪ جمعیت آفریقای جنوبی را سیاهان تشکیل می‌دهند و از ۳۰ درصد باقیمانده کمتر از نصف آن را سفیدپوستان و ۲۰٪ را دورگه‌ها و سایر اقلیت‌های مهاجر تشکیل می‌دهند اما سیاه‌پوستان تنها در ۱۳ درصد خاک کشور زندگی می‌کنند و بقیه بطور کامل تحت کنترل اقلیت سفید پوست می‌باشند. مناطق آفریقائی نشین که نژادپرستان به آن "بانتو" نام داده‌اند.

این مناطق در حومه تراسوال و یکی از ایالات به نام "اورنج‌فری" متمرکز گردیده‌اند

۲۶ خرداد (۱۶ ژوئن) سالروز پیام قهرمانانه سووتو و گسترش امواج جدید مبارزه در آفریقای جنوبی علیه دولت نژاد پرست این کشور می‌باشد. در ۱۶ ژوئن ۱۹۷۶ هزاران نفر از دانشجویان و دانش‌آموزان شهرک سووتو واقع در نزدیکی "ژوهانسبورگ" در مخالفت با تصمیم جدید مقامات دولتی، مبنی بر اجباری کردن زبان آفریکانز (زبان اقلیت حاکم بر آفریقای جنوبی که از هلندی‌های مهاجر به این سرزمین بر جای مانده است) دست به تظاهرات گسترده‌ای زدند. مقامات نژاد پرست آفریقای جنوبی سریعاً نیروهای پلیس خود را برای سرکوبی تظاهر کنندگان به محل گسیل داشتند و آنها را به مسلسل بستند. دو نفر شهید و تعداد زیادی مجروح گردیدند.

عمل وحشیانه پلیس خشم توده‌ها را برانگیخت و آنها با چوب و سنگ به پلیس حمله برده و چندین ماشین و ساختمان دولتی را به آتش کشیدند. در پی آمد درگیری‌ها حدود ۱۷۱ نفر شهید و قریب هزار نفر زخمی برجای ماند. دامنه مبارزات به زودی سایر نقاط کشور را در خود فرو برد و جنبه سیاسی آن کاملاً برجسته گردید. در چهارم ماه اوت همان سال تظاهرات گسترده‌ای در سووتو با شعار " زندانیان را آزاد کنید" به راه افتاد. صف تظاهر کنندگان پس از در هم شکستن سد پلیس دولتی به سوی ژوهانسبورگ به حرکت در آمد. پلیس با گاز اشک آور و رگبار مسلسل به مقابله با تظاهر کنندگان برخاست. ۳ نفر کشته شدند و تعدادی نیز مجروح گردیدند. تعداد دستگیر شدگان دائماً رو به فزونی می‌رفت. اما علیرغم اینهمه وحشیگری‌ها و سرکوب ابعاد مبارزه روز به روز گسترش یافت. کارگران سووتو به دنبال این درگیری‌ها طی یک اعتصاب صد هزار نفری خواستار آزادی زندانیان گردیدند و در روز ۲۳ اوت دست از کار کشیدند و کارخانه‌ها را به حالت فلج در آوردند.

از آن زمان تا به امروز مبارزات سیاهان آفریقای جنوبی در اشکال گوناگون ادامه پیدا کرده است و هر سال با نزدیک شدن سالگرد سووتو دامنه تظاهرات، اعتصابات و ... گسترش می‌یابد. اسامی نیز از هفته‌ها قبل امواج مبارزات که در تدارک سالگرد سووتو برگزار شده‌اند به حرکت در آمده است. به قول رفیق خومالو، کمیسر سیاسی یکی از بخش‌های "ادعوتتو وی سیزوی" (نیزه ملت - بازوی نظامی "کنگره ملی آفریقائی" (A.N.C) " بعد از سووتو، آفریقای جنوبی دیگر هرگز مانند گذشته نخواهد بود." و به راستی که قیام خودانگیخته سووتو تحولی عمیق در مبارزات خلق در این کشور به وجود آورد. شور انقلابی توده‌ها گسترش یافت و مبارزات رجمکشان سیاه اعتلای ناره‌ای پیدا نمود.

افکار عمومی جهان‌ساز جانیات رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی را محکوم ساخت و در سال گذشته آنها مجبور شدند که مجازات‌های سنگین و بی‌سابقه را که در پی تظاهرات محروم سووتو به زندان‌های این کشور در سال ۱۹۷۶ به وجود آمده بود، تحمیل نظر کنند. هدف تظاهرات آنها را آزاد نمائید و حکومت ۴۰ ساله را سرنگ کنید. این تظاهرات در ابعادی رهبری شورای معاندگرای دانشجویان سووتو بودند که در

سیاه‌پوستان برای به دست آوردن لقمه نانی مجبور هستند که به برخی مناطق صنعتی رفته و در آنجا به کار مزدوری بپردازند. سیاهان از نظر قانونی به هیچوجه مجاز به ورود به مناطق سفید پوست نشین نبوده و در صورت تخلف محاکمه و زندان می‌شوند. آنها مجبورند که برای ورود به مناطق کار و اصولا رفت و آمد یک " کارت عبور" را دائماً با خود همراه داشته باشند و نداسر آن در هر زمان مجازات قانونی به همراه دارد. قوانین منفور " حق عبور" زندگی آفریقائیان را در اردوگاه‌هایی محدود کرده است که به وسله سیم خاردار محصور می‌باشند و حق ملاقات با خانواده‌هایشان از آنها سلب شده است.

در آفریقای جنوبی حق اعتصاب صریحاً غیرقانونی می‌باشد و برای هر کارگری که اعتصاب کند مجازات ۳ تا ۵ سال زندان تعین شده است. تشکیل اتحادیه‌های کارگری برای آفریقائیان ممنوع می‌باشد و سایر اتحادیه‌های کارگری دورگه‌ها هم مجاز نیستند که دیگر نژادها را در خود عضوگیری کنند. استثمار کارگران به شدت جریان دارد و سودهای هنگفتی برای نژاد پرستان سرمایه‌دار به وجود می‌آورد. بطوری که آنها یکی از بالاترین در آمد سرانه در جهان را دارند. اما در آمد حقیقی کارگران طی ۷۰ سال هیچگونه تغییری نکرده است.

آپارتاید که نژادپرستان آن را تحول جداگانه نژادها تفسیر می‌کنند چیزی جز رسمیت بخشیدن به سیستم نژاد پرستی نیست. بر طبق این نظریه نژاد پرستانه قرار است که طی یکدوره بانوفا به چندین ایالت سیاه نشین تحت نام " بانتوستان" تبدیل شوند و تقسیم بندی آنها نیز بر مبنای قبیله خواهد بود. بدین ترتیب نژاد پرستان می‌خواهند کنترل کامل سیاهان را در دست خود بگیرند و با تفرقه افکنی بین آنها و دامن زدن به حس قبیله‌گرایی ساطع خویش را تحکیم بخشند. بدین ترتیب رژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی که در جهان به نام آپارتاید معروف است چهره کریه فاشیسم، نژادپرستی و ستم طبقاتی را به عریان‌ترین شکلی به نمایش گذاشته است. چهره کریه این رژیم به قدری افشا شده است که سازمان ملل بنا به درخواست بسیاری از اعضایش آن را بارها محکوم ساخته و جهانیان خواستار قطع رابطه سیاسی، اقتصادی و ... دولت‌های جهان با آن گردیده‌اند. اما آمریکا که سود سرمایه‌هایش در این کشور بیش از ۱/۵ برابر سود سرمایه‌اش در سایر نقاط است و سایر کشورهای امپریالیستی همچنان روابط همه جانبه‌ای با دولت نژاد پرست آفریقای جنوبی دارند و آن را در همه زمینها تقویت می‌نمایند آنها به ظاهر مخالفت‌هایی هم با این دولت ابراز می‌دارند، اما اینها تنها برای خنثی نمودن فشار وسیع افکار عمومی مردم جهان می‌باشد. امپریالیسم آمریکا و سایر امپریالیست‌ها که در ماهیت با رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی یکی هستند (در خود آمریکا نیز نژاد پرستی به شدت جریان دارد) بزرگترین حامیان این رژیم بوده و هستند.

مردم آفریقای جنوبی

سرانجام بیروز خواهند شد!

مردم آفریقای جنوبی از همان آغاز ورود استعمارگران به مقابله با آنها برخاسته‌اند. نبرد با میانان و مبارزه زولوها علیه نژادپرستان از نمونه‌های مقاومت آنها در اواخر قرن نوزدهم در مقابل استعمارگران می‌باشد. طی این مبارزات هزاران نفر از سیاهان به دست استعمارگران به قتل رسیدند.

در سال ۱۹۱۲ "کنگره ملی آفریقائی"

بقیه در صفحه ۱۱

دو گرایش انحرافی مشخص جنبش کارگری ایران

(قسمت آخر)

را تهدید می کند : ۱- آنارکو سندیکالیسم ۲- رفرمیسم

در همان زمینه های صنفی (حقوق ویژه کارگران) از قبیل اضافه دستمزدها ، تقلیل ساعات کار ، بهبود شرایط کار و ... هم به روشنی دیده می شود .

ثانیاً - در شوراهای موجود در کارخانهها هر چند بر خلاف سندیکاها ، تنها کارگری نیست بلکه ترکیبی از کارگران و کارمندان است ولی در هیچ شورایی کارفرما نمی تواند عضو باشد مگر در شوراهای مطلوب " حزب توده " که در این صورت شورا دیگر یک تشکل تودمائی نیست بلکه ارگان همبستگی کارگران و سرمایه داران است .

لنین می گوید :
" برای مقابله با قدرت متمرکز بورژوازی باید هر فابریک و کارخانه به یک دژ مستحکم علیه سرمایه داران تبدیل شود . دژی که تمامی کارگران را متشکل سازد و ارگان های مقاومت ، تعرض و دفاع باشد . مهمترین شکل آن سازماندهی کمیته های کارخانه یا شوراهای کارخانه است ، شوراهای نباید صرفاً به کارگران سندیکالیست محدود شود ، رشد ارگانیک این کمیته ها (ایجاد کمیته ها در هر کارخانه و ارتباط بین این کمیته ها) به ایجاد سندیکا می انجامد ."

(اسناد کمینترن)

● " حزب توده " عملاً نمی تواند از تشکلهای انقلابی توده ها (منجمله شوراهای انقلابی) استقبال کند . وقتی هم که ناگزیر می شود شوراهای را جدی بگیرد ، مفهومی که از شورا تبلیغ می کند همان شورای شورستی است نه چیزی بیش از آن . چون او با شورا از دریچه مصالح حاکمیت برخورد می کند و نه از زاویه منافع و خواسته های انقلابی کارگران و زحمتکشان

برعکس این رهنمودهای لنین ، " حزب توده " مدعی است که کارگران بایستی ابتدا سندیکا تشکیل می دادند و بعد نمایندگان سندیکا در شوراهای کارخانه شرکت می کردند .
" نمایندگان شورا از طریق سندیکا به شورا معرفی می شوند ."

(روزنامه مردم - سوم مرداد ۵۸)
یعنی ابتدا سندیکا در چارچوب مبارزه صنفی و " قانونی " می بایست شکل می گرفت (آنهم نه در سال های گذشته بلکه در شرایطی که مبارزات سیاسی توده ها مبارزات اقتصادی را تحت الشعاع خود قرار داده بود) و آنگاه سندیکاها نمایندگان از خود بعنوان شورای شورستی برای همکاری با دولت و نظارت بر صحت اجرای قوانین دست نخورده ، معرفی می نمود . این جریان به واسطه بی ایمانی اش به توده ها (و به ویژه به طبقه کارگر) نمیتواند اساساً درکی از مفاهیمی لنینی چون " دژی از کارگران متشکل " داشته باشد و با سنگر ضد امپریالیستی شوراهای بعنوان نمونه عینی مبارزه ضد امپریالیستی دمکراتیک توده ها کاملاً بیگانه است و درکش از خطر امپریالیسم و محمل های عینی مبارزه ضد امپریالیستی - دمکراتیک ، تنها یک لفاظی عوامفریبانه و

کلاهی نصیب خود سازد که موفق نشد . " حزب توده " می خواست با همکاری فعالانه با وزارت کار و کسب مجوزی قانونی با نفوذ در اینگونه تشکیلات " سربراه " طبقه کارگر را در چارچوب قوانین موجود ، رهبری کند و آرام آرام به سر منزل مقصود برساند . ولی سوسیالیسم کام به کام " حزب توده " همچنان در تخیل و طرح باقی ماند . از آنجا که در زمینه " رسمیت دادن به تشکلهای کارگری (شورا و یا سندیکا) حاکمیت سیاست روشنی نداشت و از طرفی جنبش کارگری فاقد سنت مبارزاتی و تجربه لازم در این زمینه (مبارزه تشکیلاتی) بود و همچنین به سبب عدم رشد کافی جنبش کمونیستی ایران ، " رهنمودهای اپورتونیستی و مفسوش میدان فعالیت می یافت ، در این گیرودار " حزب توده " " رهنمود "

دهد :
" کارگران پیش به سوی ایجاد تشکلهای سندیکائی ، صنفی و شورائی ، "

(مرداد ۵۸ ، نشریه دنیا)
که این شعار مشخص نمی کند آیا تشکل سندیکائی در دستور کار است یا شورائی و کدام یک در این شرایط عمده است . با وجود اینکه شورا و سندیکا اساساً مفاهیم متفاوتی دارند ولی عملاً در اینجا (ایران) به عنوان مفاهیمی معادل و مشابه کاربرد داشته اند و در وضعیت موجود جنبش کارگری ، هیچگاه این دو تشکل باهم در یک کارخانه وجود نداشته است . شوراهای در اغلب موارد همان کار سندیکاها را می کردند و سندیکاها (که تعدادشان زیاد نبود) فعالیتی مشابه شوراهای موجود داشته و دارند . ولی تشکل شورائی عملاً عمده ترین تشکل موجود بوده و هنوز هست . هر چند ما اعتقاد داریم که کارگران باید در تدارک ایجاد سندیکاها طبقاتی شان باشند و شوراهای موجود باید در زمینه پی ریزی سندیکاها سرخ کام بردارند و این مسئله تشکیل سندیکاها طبقاتی از نظر اصول جنبش کارگری پذیرفته است ولی جنبه دیگر آن یعنی توجه و اتکاء به عمل مستقیم کارگران که (معرف کیفیت عیناً موجود جنبش کارگری است) بایستی زمینه اعلام این شعار باشد . آنچه که " حزب توده " رهنمود می داد (عمده کردن تشکل سندیکائی) با واقعیت برخورد جنبش کارگری و مبارزه ضد امپریالیستی هماهنگ نبوده است . علاوه بر آن " حزب توده " برای ایند شمار تشکیل سندیکا را تبلیغ کند همواره به تحریف مفهوم عیناً موجود شورا متوسل می شود :

" شوراهای به علت ترکیب اعضای خود که گروههایی از افراد با منافع گوناگون و متضاد است ، هرگز نمی توانند به سازمان های دفاع از حقوق و بیست زحمتکش بدل شوند ، اگر کارگران خواستار اضافه دستمزد باشند ، اگر خواهان تعدیل ساعات کار شوند ، اگر بهبود شرایط کار خود را بخواهند ، شورا که جمعی از کارفرما و کارکنان است نمی تواند برای این خواسته ها مبارزه کند ."

(مردم ۱۵ اسفند ۵۸)
اولاً - " حزب توده " دستاوردهای یک ساله مبارزه شوراهای را در کارخانهها نمی بیند ، دستاوردهائی که علاوه بر جنبه های سیاسی آن

در این میان آنارشیست ها ذهنیت خودشان را به جای عمل مستقیم کارگران ، مبنای اتخاذ تاکتیکهایشان قرار می دهند و رفرمیست ها خواست های ارگان های حاکمه و نهادهای قانونی را (به جای مصالح توده ها) مبنای می گیرند . تشکلهای شورائی در چارچوب تنگ قوانین و آئین نامه های ضد کارگری شکل نگرفت بلکه در جریان مبارزات انقلابی توده ها تجلی یافت . از اینرو " حزب توده " عملاً نمی تواند از تشکلهای انقلابی توده ها (منجمله شوراهای انقلابی) استقبال کند . وقتی هم که ناگزیر می شود شوراهای را جدی بگیرد ، مفهومی که از شورا تبلیغ می کند همان شورای شورستی است نه چیزی بیش از آن . چون او با شورا از دریچه مصالح حاکمیت برخورد می کند و نه از زاویه منافع و خواست های انقلابی کارگران و زحمتکشان و از این حیث شعار سندیکا بیشتر به مذاق سازگار است و تشکل سندیکائی را بیشتر تبلیغ می کند ، ولی چه جور سندیکائی را تبلیغ می کند و چرا ؟

اولاً - بخاطر آنکه سندیکا نهادی است که در چارچوب قانون به مبارزه اقتصادی دست می زند و از زاویه منافع و مصالح حاکمیت و قانون ، نسبت به شورا قابل کنترل تر است چون " حساب و کتابی " برای اداره و کنترلش وجود دارد !

ثانیاً - سندیکائی که " حزب توده " تبلیغش را می کند و در چارچوب قوانین و آئین نامه های ضد کارگری گردن می نهد و نقش تشکیلات کارگری و نمایندگان آگاه آنها را در تدوین قانون کار و ... منتفی می نماید . سندیکائی که او تبلیغ می کند سندیکای سرخ نیست بلکه همان سندیکای زرد است . در این رابطه بود که " حزب توده " پس از قیام تلاش بسیار نمود که با راه یافتن به اطاق های مشاوره وزارت کار و همکاری با وزیر کار در تدوین طرحها و قوانین از بالا شرکت کند و از آن فراتر ، در طرحهایی که فروهر برای ایجاد سندیکاها جدید (به سبک سندیکاها پرونیستی) داشت ، فعالانه همکاری نموده و به سهم خویش بر تشکیلات کارگری " نفوذ و تسلط " یابد . تبلیغ صندوق های اعانه و وام وزارت کار و ثبت نام های رسمی از کارگران واحدهای کوچک و پراکنده به عنوان تشکیلات رسمی آنها (سندیکا) از قبل همین وام های دولتی و ... نمونه هایی از اینگونه فعالیت های " کارگری " است . سندیکاهائی که وزارت کار در صدد ایجادش بود سندیکائی بود مشابه سندیکاهائی که بیرون (دیکتاتور آرژانتینی) در سال های ۶۰ ایجاد کرده بود ، بیرون به اتکای وجهه ملی ای که داشت سندیکاهائی را برای تحکیم پایه های نفوذ و تسلط دولتش ایجاد کرد . در اینجا قوانین ورشکسته پیشین زیر ضربات جدی توده ها (به ویژه شوراهای) در حال از هم پاشیدگی بود و بازسازی و ترمیم عجلولانه آن به منظور تحکیم ارگان های حاکمه و جلوگیری از رشد جنبش کارگری بسیار مشکل شده بود و حضور شوراهای هم در عرصه جنبش مویید این مسئله بود . حال آنکه " حزب توده " نگران سرنوشت نهادهای " قانونی " و تحکیم مواضع خود بر مبنای آن بودند . " حزب توده " سعی کرد که از این نمد

گسترده با دهمگامی و همکاری همه نیروهائی که در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می کنند

مزدوران امپریالیسم در غرب کشور توطئه و خرابکاری می کنند

موقعیت که کشور با کمبود مواد دارویی و غذایی روبرو است ابادی امپریالیسم در داخل کشور با اتکا به پول کلانی که در اختیار دارند، مقدار متناسبی از مایحتاج مردم را در بازارهای داخلی خریده، احتکار و با مردم می کنند.

با به خوبی به مسق توطئه های امپریالیسم واقف هستیم و در می یابیم که این توطئه ها هر روز ابعاد تازه تر و گسترده تری به خود می گیرد و با توجه به بحران اقتصادی و سیاسی موجود در جامعه و ناتوانی هایی که حاکمیت در حل این بحران از خود نشان می دهد دامنه این خطر را که متوجه تمام نیروهای مترقی و ضد امپریالیست است، بس عظیم دیده و بخوبی می دانیم که حل این مشکلات و از بین بردن تمام پایگاه های امپریالیسم و بی اثر نمودن آنها از عهده یک گروه و سازمان و حزب سیاسی، خارج است. برای چیره شدن بر امپریالیسم و از بین بردن تمام زمینه هایی که امپریالیسم می تواند بر بستر آنها به مقاصد تجاوزکارانه و استثمارگرانه خود دست یابد نه تنها اتحاد آگاهانه تمام نیروهای مترقی و ضد امپریالیست را در درون جامعه طلب می کند بلکه وحدت و اتحاد فعالانه و متکی به استقلال اقتصادی و سیاسی با کلیه کشورها و نیروهای ضد امپریالیست را در مقیاس جهانی پیش روی ما قرار داده است.

پالیزبان بی دفاع گذاشته و دیگر چندان خبری از فانتوم ها و تانک و توپ های ارتش برای مقابله با این جنایتکاران نیست. همانطور که فلاحی ها مردم سنج و سقر و دیگر شهرهای کردستان را در زیر بمباران های خود آواره کردند، اکنون دوستان قدیمی فلاحی ها و باقری ها، یعنی اوسلی و پالیزبان، مردم قصرشیرین و نفت شهر و دیگر روستاهای مرزی را آواره نموده اند. این جاسوسان امپریالیسم در لباسهای مختلف و با یک هدف مشخص که همانا بازگشت نظام منحط گذشته است، آشوب و کشتار به راه می اندازند. همین ابادی امپریالیسم، برای آنکه تحریم ها و فشارهای اقتصادی وارده به مردم مبین ما را تکمیل کنند دهها کیلومتر از راه آهن کشور را در منطقه قطور منفجر می کنند و ارتباط اقتصادی کشور از طریق این راه با خارج را قطع می کنند و در این شرایط حساس که مقدار متناسبی از مواد غذایی و دارویی از این طریق وارد کشور می شد، پشت راه می ماند و در دسترس مردم قرار نمی گیرد و در این

کندگان، مراقب می پرسند که شما گوشت را کیلوثی چند تومان می خرید، پاسخ می دهند کیلوثی ۸ تومان و با از سرکوب ها و خشونت های حاکمیت بهره برداری کرده و بر بستر چنین زمینه هایی تبلیغات شوم خود را گسترش داده اند تا چائی که جلا دانی نظیر پالیزبان و بختیارو... حکومتی دمکراتیک را به مردم مبین ما نوبد می دهند! در این اوضاع و احوال بحرانی نه تنها تبلیغات حاکمیت علیه امپریالیسم و مزدوران داخلی و خارجی اش سمت گیری نکرده و لبه تیز حمله را متوجه آنها نمی کند، بلکه دائما تضادهای درون خلقی را تشدید می کند. در حالیکه نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران که قدرت سرکوب خود را در کردستان به نمایش گذاشته اند، و با تانک و توپ و فانتوم و هلی کوپتر و تمام تجهیزات خود، به سرکوب خلق کرد مشغول هستند، اکنون هم مبینان زحمتکش ما در روستاها و شهرهای مرزی در مقابل مزدوران بعث عراق و نیروهای جنایتکار اوسلی و

کار گذاشته است که بدین وسیله مناطق غرب کشور را زیر پوشش تلویزیونی خود قرار دهد. انهدام، دکلهای فرستنده در قهرمانشهر سبب می شد که تمامی اهالی این منطقه اجبارا تلویزیون عراق را تماشا کنند گرچه سیاست حاکم بر رادیو و تلویزیون جمهوری اسلامی سبب شده که بخش وسیعی از مردم غرب و جنوب کشور جذب تلویزیون های عراق، کویت، بحرین و قطر و دویی که اکثرا برنامه فارسی دارند، شوند و اکنون بخش وسیعی از مردم مبین ما زیر پوشش و تاثیر تبلیغاتی رادیوهای امپریالیستی قرار گرفته اند. ضعف های عمیق حاکمیت در پاسخگویی به نیازهای اقتصادی و سیاسی توده ها و عملکردهای غیر دمکراتیک حاکمیت سبب شده که امپریالیسم و مزدوران داخلی اش زمینه های مساعدی برای تبلیغات خود فراهم دیده و ذهنیت توده ها را در جهت اهداف خود سمت دهند. به عنوان مثال: تلویزیون بغداد صف های طویل گوشت را در ایران نشان می دهد که مردم گوشت را کیلوثی ۷۵ تومان خریداری می کنند و از مصرف

حمله مزدوران بعث عراق با همکاری نیروهای ضد انقلاب و عمال امپریالیسم در مناطق غرب کشور بعد از تازدهای یافته است. اهالی روستاهای مرزی، شهرهای قصرشیرین و نفت شهر و دیگر شهرهای مرزی، زیر آتش خمپاره ها، توپ ها و تانک های مزدوران امپریالیسم بی خانمان شده و مجبور به ترک مناطق مسکونی خود شده اند. مزدوران مسلح اوسلی و پالیزبان در مناطق غرب کشور آزادانه به فعالیت مشغولند و دامنه عملیات خرابکارانه خود را تا قهرمانشهر (کرمانشاه) گسترش داده اند. آخرین اقدام از این دست وقایعی است که در قهرمانشهر اتفاق افتاده است و طبق اخبار و اطلاعاتی که در دست داریم توسط مزدوران اوسلی و طرفداران او در ارتش صورت گرفته است. مهاجمین مناطق حساس دولتی و اقتصادی شهر را زیر آتش سلاح های سبک و سنگین خود قرار می دهند. یکی از نقاط مورد توجه آنها برای انهدام دکلهای رادیو و تلویزیون بود چرا که هم اکنون رژیم مزدور عراق دستگاه های رله قوی در مناطق مرزی

بدهند تا سرمایه داران بتوانند راحت تر زندگی کنند؟ و کجای دنیا این قانون وجود دارد که فرزندان سرمایه داران با رشوه دادن برکه معافیت بگیرند و یا اینکه اصلا جهت خدمت نظام وظیفه اعزام نشوند و خدمت فقط مخصوص فرزندان زحمتکش باشد؟ آری این است پاسخ خون ۷۰ هزار شهید! و آری این است جواب سربازان انقلابی!

فرزندان سرمایه داران وابسته باید در بهترین وضع زندگی کنند؟ و کجا اسلام گفته است که ما زحمتکشان باید پاس بدهیم تا طبقه سرمایه دار راحت تر به چپاول خود ادامه بدهد. و مگر اسلام نگفته است: "و امرهم شورابینهم" پس چرا از اجرای آن هراس دارید؟ ما همبستگی خود را با ملت تحت ستم اعلام می داریم و از سازمانهای

چنین باشد و جالب اینجاست و یا درد اینجاست که چرا فقط فرزندان زحمتکشان را به خدمت اعزام می دارند و حتی یک نفر در گروهان ما فرزند یک سرمایه دار نیست! و از عناصر مسئول می خواهم سؤال کنم که کجای مکتب اسلام نوشته است که من سرباز زحمتکش باید بزرگترین شکنجه های روحی را تحمل کنم و

از سربازان نیروی زمینی نامه ای برای فرستاد و گفت که نامه ای به دفتر امام نوشته ام و از آنها خواستم که شورا های سربازان و درجه داران را ایجاد کنند و بعد از چند روزی نامه ام برگشت و پشت نامه نوشته بودند که چنانچه بار دیگر از این نامه بنویسید، ضد انقلاب معرفی خواهید شد. آری می خواهند فریاد حق - طلبانه سربازان زحمتکش را خفه کنند و دیکتاتوری دیگری به وجود بیاورند. آری این چنین پاسخ خون شهیدان را می دهند! آری تا زمانی که شاد مورها و فلاحی ها فرمانده کل باشند، باید این

نامه یک سرباز:

مورگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا

بقیه از صفحه ۱۶

اعتصامات ۵۰۰۰ کارگر کوره پزخانه های تهران و زمینه های آن

کوره پزخانه های تهران در اغلب جاده های که به تهران منتهی می شود (جاده خراسان، ساوه و رامین قم و...) گسترده اند. کارگران کوره پزخانه ها از چمکنشینان و محروم ترین کارگران میهن ما هستند. ابزار و شیوه کارشان ابتدائی و عقب مانده است و از همین رو فشار کار و شدت استثمار در اینگونه فعالیت های تولیدی بسیار زیاد است. عمده کارگران کوره ها را روستائیان نهی دست و مهاجر تشکیل می دهند. اغلب کارگران با خانواده هایشان در زاغه های که در کنار کوره ها است، زندگی می کنند و عموماً از ابتدائی ترین حقوق زندگی بی بهره اند. در کوره پزخانه های تهران محدودیت ساعت کار چیز بی معنایی است. صبح تا شب را در چاردیواری تنگ و تاریک دخمه های خفه و داغ و در میان دود غلیظ گازوئیل و گرد و غبار بمبومی پرست. کارگران صبحها فائوس به دست حدود ساعت ۴-۵ راهی کوره پزخانه ها می شوند و نیمها در حدود ساعت ۷-۸ بسته به توان و بنیه جسمانی شان) دست از کار می کنند. در این بین مدت زمان کوتاهی برای صبحانه و ناهار کارشان را قطع می کنند. سیستم کار و دستمزدها، کنتراتی است. بدین ترتیب که در ازای کار انجام شده معینی مزد ناچیزی به آنها پرداخت می شود. مثلاً به کارگران قالبدار در ازای هر ۱۰۰۰ خشت که می زنند، مزدی در حدود ۷۰ تومان و در بعضی موارد تا ۹۰ تومان می دهند. شکل تقسیم کار به این صورت است که یک دستگاه قالبدار معمولاً شامل ۲ یا ۵ نفر است یک نفر گلرز یک قالبدار، یک خشت جمع کن و یک یا دو قالب کش. و کارشان این است که از خاک و آب با دست خالی و زیر تابش آفتاب و گرمای کوره، خشت بسازند شرایط توان فرسای کار در کوره پزخانه ها و همچنین محیط آلوده، غیر بهداشتی آن، کارگران را عموماً به بیماری های گوناگونی مبتلا می سازد.

الف: امراض عمومی
بخاطر آب غیر بهداشتی کوره پزخانه ها (که اکثراً از چاه تامین می شود نه آب لوله کشی) اغلب کارگران به بیماری های انگلی مبتلا

هستند. بخاطر هوای آلوده کوره ها، گرد و خاک رس، گرد خاکستر و گرد سیمان و کار در گرمای طاقت فرسای تابستان (در میدان های کار) بیماری های پوستی، جوش کچلی و غیره بصورت واگیر وجود دارد. حال اینکه اینگونه امراض را تا حدود زیادی می توان با نصب یک سری دوش آب، پیشگیری نمود. اما در کوره ها از دوش و حمام خبری نیست و در حال حاضر کوره ای که دارای دوش و حمام باشد، به ندرت یافت می شود.

ب- امراض و عوارض خاص در قسمتهای مختلف کار:

- ۱- گل زنها اغلب به درد مزمن کتف دچار هستند.
- ۲- قالبدارها بخاطر نوع خاص کارشان که گل را با دست در قالب جای می دهند اغلب دچار دررفتگی انگشتان دست و امراض پا می شوند. قالبکشها (کار قالب کشی معمولاً به آنهایی سپرده می شود که قد کوتاهی دارند و به همین جهت کارفرمایان دختر و پسرهای حدود ۱۰-۸ ساله را برای این کار مناسبتر از همه می دانند) آنها (قالبکشها) باید قالبهای چوبی یا آلومینیومی را که ۸-۶ قالب خشت خام را در خود جای می دهند از زمین بلند کرده و در طرف دیگر میدان خالی کنند و در هر بار رفت و آمد باید چهار بار این قالبها را زمین بگذارند و بلند کنند و اگر هر قالبکش در روز ۱۰۰۰۰ قالب بزند، (با دو قالبدار) این بچه ها در روز باید بیش از ۳۳۰۰ بار این قالبها را زمین گذاشته و بلند کنند و از همین روست که اینها از همان دوران بچگی و نوجوانی به پادرد شدید و کمردرد مزمن دچار شده و خیلی سریعتر از دیگران پیر و نکیده می شوند.

اینها گوشه هایی از از جنایات و قساوتهای نظام ضد بشری سرمایه داری است.

 - ۳- خشت جمع کن ها: کار خشت جمع کردن معمولاً به عهده زنان است. اینکار را ظاهراً به واسطه آنکه دست

از بقیه کارهاست به زنان واگذار می کنند اما بخاطر شرایط دشوار کار (شدت و تکرار آن) موارد بسیاری تا کنون پیش آمده که زنان در

توسط عناصر و نیروهای آگاه برای تشکیل کلاسهای سواد آموزی صورت گرفته به واسطه کمبود امکانات کارگران (طولانی بودن زمان کار و



حین کار سقط جنین کردند و این جنایات پنهان و سرمایه داری مداوماً در کوره ها تکرار می شود.

- ۴- چرخکشها، آتشکاران و...: حرکت به امراض خاص می شود. در نزدیکی کوره ها بزرگ و یا حداقلاً رسایل بهداشتی به ندرت یافت می شود.
- برخوردن از وسایل کار مناسب، بهداشت محیط کار و پزشک و درمانگاه همواره جزء ابتدائی ترین و مهم ترین خواسته های کارگران کوره پزخانه ها بوده و هنوز هم هست.
- از نظر سطح کلی آموزش و سواد باید گفت که کارگران کوره پزخانه ها از محروم ترین کارگران هستند. آگاهی سیاسی در بین این کارگران در سطح بسیار ناچیزی قرار دارد. کورتنشینان که تاکنون

برای کارگران " دست می زنند جریان تشکیل سندیکا بدین صورت بود که تعدادی از استادکارها خود را کاندیدای نمایندگی سندیکا " برای کارگران می نمایند و کارگران را مکلف می کنند (بمضمان یک وظیفه انقلابی) از میان کاندیدها، نمایندگانشان را واقعی "شان را" انتخاب کنند. این استادکارها با وانت به کوره ها رفته و کارگران را برای رای دادن به فرجک می آورند و اعلام می کنند که: " آزاد هستید به هرکس که می خواهید، رای دهید! بنا براین هر استادکاری حداقل از کارگران کوره خودش رای می آورد و بدین ترتیب همگی آنها انتخاب می شوند. کار عمده این سندیکا این است که هر وقت که احتیاج به رای گیری و رفاندوم در سطح جامعه باشد با وانت و بلندگو در کوره ها به راه می افتند و تبلیغات به راه انداخته و از کارگران به هر شکلی که شده رای شان را جمع آوری می کنند در رابطه با مسائل رفاهی کارگران، این سندیکا تاکنون کوچکترین گام موثری برنداشته است و اما علاوه بر این سندیکا، شکل ضد کارگری دیگر بنام اتحادیه صنف فخار وجود دارد که اتحادیه صاحبان کوره پزخانه ها است. کار این اتحادیه هماهنگ کردن شکل استثمار کارگران در کوره های مختلف است و در ضمن آخرین تجارب سرمایه داران برای سرکوب و استثمار کارگران ایجاد بازار سیاه و افزایش قیمتها و... را در بردارد. و نقش آن در یک کلام، هماهنگ کردن سیاستی است که منافع صاحبان کوره ها را به شکلی هرچه کامل تر تامین نماید. در ضمن رسیدگی به مسائلی نظیر تهیه خاکستر سیمان (که در بازار کم است) صدور حواله آجر، تعیین قیمت آجر و... از وظایف آن است. در زمینه تعیین قیمت آجر (افزایش دادن قیمت آن) و مخالفت با افزایش دستمزدها، بسیار کوشاست. مثلاً در این اواخر بدون آنکه به افزایش دستمزد کارگران کمترین توجهی نشان دهد، قیمت آجر را در پای کوره ها از تنگی ۱۸۰۰ ریال به ۲۲۰۰ ریال افزایش می دهد. بقیه در صفحه ۹

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر
پیشواز مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

کار

اعتصابات ۵۰۰ کارگر کوره پزخانه ...

برخلاف انتظار او می گوید:
"صحیح نیست!
صحیح نیست!
بعد یکی از کارگران خطاب به
نماینده کمند می گوید:

"آقا! کوبیده کملونی
۷۰ تومان، سب زینی
کملونی ۷ تومان و ... مزد
ما کجا و این هزینهها کجا؟
شما کجای کارید؟" کارگران
حرفهای این کارگر را با
"صحیح است، صحیح
است" نائید می کنند.
دنبال صحبت این کارگر،
پاسداران سعی می کنند او را
دستگیر کنند ولی کارگران
دور ماشین کمینده حلقه زده و
مانع از دستگیری رفیق
کارگران می شوند. نمائنده
کمند می گوید: "شما
مسائلتان را باید از طریق
نمایندگان (سندیکای
استادکارها) دنبال کنید"
کارگران یکمدا فریاد
می زنند: "ما ایضا این
نماینده های سندیکا را
قبول نداریم" به دنبال
این گفتگوها قرار می شود که
در روز دوشنبه ۱۵ اردیبهشت
بامورین کمینده همراه
کارفرمایان و تعدادی از
نمایندگان کارگران اعتصابی
به کمینده ۱۴ شهری رفته و
خواستها را بررسی کنند
در کمینده، در مقابل خواست
افزایش دستمزد کارگران، امیر
مقدم زند، صاحب
کارخانه های بهساز و بهساز ۲
با بی ترمی تمام اظهار داشت
که: "اجازه نمی دهم هیچکس
حتی یک ریال هم حقوقها
را افزایش دهد" دنبال آن
کارفرمای دیگری می گوید:
"کارگران باید به سرکارشان
بروند تا ما یکشنبه ۲۱/۲/
نتیجه قطعی را اعلام کنیم"
ولی کارگران همچنان به
اعتصاب خود ادامه می دهند
فردای آن روز کارگران با
گرفتن جزئی از خواسته هایشان
(افزایش دستمزد قالبدارها
به میزان ۲۴٪) موقتاً بر سر
کار می روند. و بدین ترتیب
اعتصاب اول کارگران کوره پز-
خانه های منطقه قرچک و
ورامین به پایان می رسد.
این اعتصاب فاقد
یکپارچگی و پیگیری لازم
کارگران کوره پزخانه های
مخفاف بوده و رهبری

در اسحا به گزارش اعتصاب
اول و دوم ۵۰۰۰ کارگر
کوره پزخانه های منطقه قرچک
و ورامین می پردازیم:

در ساعت ۸/۵ صبح روز
سه ۱۳ اردیبهشت از
کوره های "علی مکانیک"
"کپهانی" و ... اعتصاب
آغاز می شود. این اعتصاب
بدنبال اعتصاب یک هفته
قبل کارگران کوره های منطقه
حاجو آباد (برای افزایش
دستمزدها و بهر کردن
شرایط کار) و به بستن این
آن شروع می شود. این اعتصاب
با توجه به روزهایی که
خواستهای عموم کارگران
کوره پزخانه ها، به سرعت به
اعتصاب عمومی تبدیل
می شود. این اعتصاب
همچون بادی که بر آتش
بزد، دامنه اعتراضات
کارگران کوره پزخانه های
منطقه را گسترش می دهد.
کارگران با به دست گرفتن
کلنگ، بیل و شلنگ و ...
به راه افتاده و کارگران دیگر
را دعوت به اعتصاب
می نمایند. صف راهپیمایان
هردم فترده تر و عظیم تر
می شود. کارگران اعتصابی در
ضمن از بارگیری کامیون ها نیز
جلوگیری می کنند تا بدین
وسلده صاحبان کوره ها را
محبور به رسیدگی
خواستهایشان نمایند. در
این اثنا کمینده قرچک خود را
به محل تجمع کارگران
رسانده و با بلند گو به
کارگران می گویند: "بروید
سرکارشان! اعتصاب کار ضد
انقلاب است!" پاسداران
خود را به صف کارگران
اعتصابی رسانده و شروع به
تیراندازی هوایی می کنند اما
موفق به متفرق کردن صف
کارگران نمی شوند و کارگران
منفقا به بیان خواسته های خود
می پردازند. مسئول کمینده
بیهوده می گوید به کارگران
بقولاند که خواسته های آنان
ضدانقلابی است و در اثبات
ادعای خود می گوید: "یک
عده خدانشناس در میان شما
رخنه کرده اند، می خواهند
دین شما را از دستتان
بگیرند. اگر حقوق شما
دارد، شد به این کارها
اجرا نیست ما خودمان
با می گیریم" کارگران

هماهنگ کننده
نداشد است و این قبل از هر
حیرت واسطه فقدان وجود
یک سندیکای واقعی کارگری
بوده و ضعف عناصر آگاه
سرو در سازماندهی حرکت
انقلابی کارگران در آن به
حوسی محسوس بود. از
ویژگی های این اعتصاب،
یکی عدم شرکت کارگران
اعتصابی در آن بود. لازم به
تذکر است که حضور کارگران
اعتصابی در کارخانه ها و
به ویژه در واحدهای کمتری
و کارمزدی مثل کوره پزخانه ها
در سطح سازمانی کارگران
اثر منفی می گذارد چون
کارگران اعتصابی به دستمزدهای
ناحیز کردن می بینند و عملاً
مانع افزایش سطح دستمزدهای
کارگران می شوند (در این
رابطه حندی بس موج ضد
اعتصابی سبیدی در سن
کارگران کوره پزخانه ها بالا
گرفته بود) از دیگر ویژگیهای
این اعتصاب گسترش سریع
در طول اعتصاب نمایندگان
سندیکای فرمایشی سعی در
جلوگیری از حرکت اعتراضی
کارگران داشتند و با اتکا به
نقودشان (در عده ای از
کارگران) نفس ترمز کننده ای
را در این حرکت ایفا کردند
خواستهای کارگران در این
اعتصاب به قرار زیر بود:
۱- افزایش دستمزد
کارگران به صورت زیر:
قالبدارها از هر ۱۰۰۰
خشب، ۲۰۰ ریال به ۱۳۰۰
ریال. چرخکشها از تنی ۹۲
ریال به ۱۲۵ ریال. فرمزدار
از تنی ۶۵ ریال به ۱۱۰ ریال
کورسوز از تنی ۴۲ ریال به ۷۰
ریال. کوره چین از تنی ۳۲
ریال به ۵۰ ریال. پای
چرخکش از تنی ۲۲۰۰ ریال
به ۶۰۰۰ ریال.
۲- دریافت پول کفش،
دستکش و یخ برای آب
آشامیدنی و گرفتن وسایل
کار (لازم به تذکر است که
کارگران هنوز مجبورند وسایل
کارشان را خودشان تهیه کنند)
۳- قرار گرفتن تحت
پوشش بیمه های درمانی (از
کارگران تاکنون حق بیمه کسر
گردیده ولی حتی یک قرص
کچی هم به آنها نداده اند)
۴- تاسیس یک بیمارستان
یا درمانگاه در محل کوره ها
ایجاد مطب و داروخانه ...
۵- ساختن مسکن مناسب،
حمام و دوش و مستراح (کم
نیستند کوره های در قرچک
که بیش از ۲۰۰ کارگر دارند
ولی فاقد مستراح می باشند و

با مسراجان عرفان
استفاده است)
۶- پرداخت حق اولاد
و ...
حد روز پس از اعتصاب
اول، آنجا که کارگران ابری
از نوحه کارفرمایان و
مسئولین کمند به
خواستهایشان مراجعه
نکردند. به یک اعتصاب
دیگر دست زدند که این
اعتصاب سه روز طول کشید
هر چند این اعتصاب به
واسطه همان ضعفها و
نارسائی هایی که ذکر شد به
تحقق خواسته های کارگران
نیانجامید، ولی نشان داد
که کارفرمایان و مسئولین
دولتی نمی توانند در مقابل
این خواسته ها و اعتراضات
انقلابی کارگران استنادگی
کنند. و ما نشانه های این
عقب نشینی را که نتیجه
سازرات اخیر کارگران کوره -
پزخانه ها است، در برخورد های
اتحادیه صنف فخار و
همچنین در اطلاعیه ای که
مسئولین کمینده در مقابل
صاحبان کوره پزخانه ها
داده اند، می بینیم. روز ۴
خرداد اتحادیه صنف فخار
حاضر به قبول افزایش
دستمزد کارگران آشکار شد
و در تاریخ ۹ خرداد عده ای
از مسئولین کمینده برای
بازرسی وضع بهداشت،
اطاقهای مسکونی و وضع
رفاهی کارگران به کوره پز-
خانه ها رفته و پس از بازرسی
اطلاعیه ای صادر کردند که در
آن قید شده بود: "ظرف ۵
روز از تاریخ ۳/۱۰ تا ۳/۱۵
باید حمام بهداشتی، توالت
و تمام امکانات رفاهی برای
کارگران فراهم گردد در غیر
این صورت از ادامه کار کوره ها
جلوگیری خواهد شد! و هم
چنین طی ۲۰ روز باید
کوره ها گاز سوز شوند. تا
کنون یک کوره (کوره عزت
پروین) اضافه دستمزد را
پرداخت کرده که با مخالفت
کارفرمایان کوره های دیگر
روبرو شده است. از اقدامات
دیگر در جهت رفع نارسائی ها
و بهبود شرایط کار هنوز
خبری نشده است.
در جریان این اعتصاب
شاهد سه نوع برخورد
هستیم:
۱- برخورد کارفرمایان:
آنها کماکان به سنگ اندازیها
و کارشکنی هایشان ادامه
می دهند چون در وضعیت
کنونی هنوز آنچنان نیروی
متشکلی را در برابر خود
نمی بینند تا ناگزیر شوند به

خواستهای کارگران تسلیم
شود.
۲- برخورد کمند: این
برخورد حاوی یک دوگانگی و
زلزل آسکار در مقابل
سرماه داران و همس
کارگران است. از یک طرف
(محمیانکه در گزارش دوم)
مخالف حرکت انقلابی
کارگران است و مانع گسترش
آن علیه سرماه داران می شود
و از طرف دیگر در برخورد با
سرماه داران به تهدیدهای
از این فصل که چنانچه به
وضع رفاهی کارگران رسیدگی
نکنند، از ادامه کار کوره ها
جلوگیری خواهد کرد. ولی
این را نمی بیند که چنانچه
کوره ها را تعطیل کند، مشکل
سیکاری کارگران، کاهش
بولید، افزایش مسمما و ...
هم مطرح می شود و ممداد
که تعطیل کار کوره ها با
بستن یک معاره به حرم
گرانفرونی خلی فرو میکند
و اگر کارگران دست به تعطیل
کاری زنند، مقصودشان بس
کارخانه و کوره ها نیست بلکه
خواهاند بولید برای مدتی
محدود است بعنوان اعمال
فزاری سازمان یافته تر -
سرمایه داران بمطور بحق
خواستهایشان. از این رو
کمینده صن آنکه در مجموع در
مقابل سرماه داران قرار دارد
ولی به هیچوجه نمی تواند
حتی در رادیکال ترین شکل
خود جانشین حرکت و
سیاست مستقل کارگری در
پیشبرد مبارزات شان شود.
۳- برخورد کارگران: در
حال حاضر کارگران کوره پز-
خانه ها به همان دلالتی که
ذکر شد، علیرغم سنه های
خونین مبارزاتی شان از نظر
آگاهی، سطح مبارزاتی و
تشکل واقعی کارگری در
مقایسه با کارگران بخشهای
صنعتی، در سطوح ناآشنایی
قرار دارند و تحقق
خواستهایشان حد در
ابتدائی ترین شکل آن،
مستلزم ندارد زمینه های
ایجاد تشکل واقعی شان در هر
واحد (کوره) است و در قدم
دوم هماهنگ کردن تشکلهای
کوره پزخانه های منطقه با
یکدیگر و تنها و تنها چنین
تشکلی که از درون جمع بندی
تجربیات همین اعتصابات
اخیر و مبارزاتی همانند آن
بیرون می آیند، قادر خواهد
بود به منافع واقعی کارگران
کوره پزخانه ها در کنار دیگر
کارگران و زحمتشان میهن
جامه عمل ببوشاند.

استقلال - کار - مسکن - آزادی

کنفرانس بین المللی بررسی مداخلات آمریکا

گامی در جهت افشای امپریالیسم

کنفرانس بین المللی بررسی مداخلات آمریکا در ایران با ابتکار جناح آقای بی صدر و به دنبال توصیه آیت الله خمینی (در سخنرانی ۸ اردیبهشت) کار خود را از ۱۲ خرداد آغاز کرد. این کنفرانس که می توانست از اهمیت جهانی وسیعی در افشای آمریکا برخوردار باشد با صدور اطلاعیه های هرچند مشت ولی بدون بهره گیری کامل از توان کنفرانس در مبارزه با امپریالیسم آمریکا کار خود را در ۱۵ خرداد به پایان رساند.

در این کنفرانس نمایندگان احزاب، سازمانها و گروه های ۵۴ کشور که بیش از ۱۰۰ هیئت نمایندگی و مرکب از ۲۹۹ نفر (به استثنای شرکت کنندگان ایرانی) شرکت داشتند. شرکت کشورهای سوسیالیستی از جمله اتحاد جماهیر شوروی و بنام، کوبا، چین دمکراتیک آلمان شرقی، چکسلواکی و... همچنین کشورهای مترقی و صدامیریالیست از جمله لیبی و... بسیار اهمیت کنفرانس و برخوردار از توانایی سن الطلی آن در افشای جنایات آمریکا بود.

به همین دلیل امپریالیسم آمریکا که از اجتماع نمایندگان کشورهای سوسیالیستی و نمایندگان راستین تعدادی از جنبشهای رهایی بخش به وحشت افتاده بود، مانع شرکت نمایندگان واقعی مردم آمریکا و احزاب مترقی آن کشور در کنفرانس شد. وزارت دادگستری آمریکا برای کسانی که از آمریکا در این کنفرانس شرکت می کردند زندان و جریمه نقدی تعیین کرد و بدین ترتیب از شرکت نمایندگان واقعی مردم آمریکا جلوگیری به عمل آورد.

از سوی دیگر امپریالیسم آمریکا که نمی توانست اجتماع هیئت های کشورهای سوسیالیستی و مترقی را بدون فرستادن جاسوسی از جانب خود به میان آنان

تحمل کند، رمزی کلارک یکی از مهره های موردا اعتماد خود را به میدان فرستاد. رمزی کلارک علی رغم تهدیدات دولت آمریکا، دست به "تعدد" زد و از مرز آمریکا خارج شد از رمزی کلارک که یکی از نمایندگان صادق و دلسوز انحصارات آمریکائی است، هنگام ورود خود به ایران ادعا کرد که نماینده دولت آمریکا نیست بلکه نماینده مستقیم "ملت آمریکا" است! چهره رمزی کلارک برای مردم ما چهره های ناشناخته نیست. او یکی از مهره های موثر آمریکائی است که امپریالیسم او را همیشه در آستین خود آماده داشته است. او در گذشته برای حفظ منافع اربابان خود در ایران تلاشهای زیادی نمود و به همین جهت یکی از مهره های فعال آمریکائی در حیات سیاسی سالیهای اخیر امپریالیسم بوده است. رمزی کلارک سابقا و در دوران جنایات آمریکا در ویتنام وزیر دادگستری آمریکا بود. او در زمانی که دیگر مبارزات قهرمانانه خلق ویتنام ضربات مرگباری بر منافع انحصارات آمریکائی وارد کرده بود، از جمله کسانی بود که حفظ منافع انحصارات آمریکائی را در مخالفت با جنگ ویتنام و پایان آن ارزیابی کرد و بدین ترتیب رمزی کلارک به صورت چهره جدیدی از مدافعان انحصارات در صحنه سیاسی آمریکا ظاهر شد. پس از آن رمزی کلارک در آستانه قیام، یکی از فعالین آمریکائی برای به انحراف کشاندن انقلاب ایران بود. او هنگام فرار شاه در ایران به سر می برد و برای حفظ سلطه امپریالیسم در ایران، تلاش فراوانی در انتقال قدرت از شاه به بختیار و ارتش کرد. رمزی کلارک حتی برای تثبیت موقعیت بختیار ماموریت مسافرت به پاریس و مذاکره با آیت الله خمینی را به عهده داشت ولی تمام تلاشهای او

کنفرانس آشکارتر از آن بود که آقای قطب زاده وزیر امور خارجه و یکی از گردانندگان کنفرانس بتواند آن را از چشم مردم مخفی نگهدارد. ولی با این حال آقای قطب زاده در مصاحبه مطبوعاتی خود کلارک را یکی از مخالفان سرسخت امپریالیسم آمریکا و مخالف جنگ ویتنام و در واقع یک شخصیت ضد امپریالیست تمام عیار معرفی کرد. آقای قطب زاده در مصاحبه اش فاش کرد که کلارک از طریق دوستان ایشان (منظور دوستان آقای قطب زاده) در آمریکا برای شرکت در کنفرانس انتخاب و ترغیب شده است! با وجود کوشش های فرستاده آمریکا و بعضی از نمایندگان نام صالح کنفرانس در به انحراف کشیدن جهت عمومی و اصلی کنفرانس، نمایندگی کشورهای مترقی و سوسیالیستی با قاطعیت تمام و با سخنرانی های افشاگرانه خود، وظایف اساسی کنفرانس را پیش بردند و مانع اخلاقی های امپریالیسم آمریکا شدند.

عمرجدی از کشور لیبی و نماینده کنگره خلقهای عرب در بخشهایی از سخنان خود چنین گفت:

"اکنون ایران کشوری است که علیه امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع مبارزه می کند... دشمن اصلی ما امپریالیسم جهانی سرکردگی آمریکا صهیونیسم و ارتجاع است ولی تعداد دوستان ما بسیار است. جنبشهای آزادیبخش در آمریکا، آفریقا، آمریکای لاتین و کشورهای مترقی و ممالک بلوک شوروی دوستان ما هستند و علی رغم تبلیغاتی که شدیداً به کار افتاده است، ما دوستان خود را از دشمنانمان به خوبی تمیز می دهیم. خانم ملبا هرناندز از کوبا دبیرکل سازمان همبستگی ملت های آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین در قسمتهایی از سخنرانی اش گفت:

"آمریکا به کمک اروپا و ژاپن، ایران را تحریم اقتصادی کرده است تا شاید از این طریق مداخلات و تجاوزات خود در ایران را توجیه کند. امپریالیسم آمریکا باید به خواست ایران برای بازگرداندن ثروت های

که شاه مخلوع از ایران به غارت برده است پاسخ مثبت دهد و به جنایاتی که علیه ایران مرتکب شده است، اعتراف کند... انقلاب ایران نقش حساسی در جنبشهای رهاییبخش بازی می کند و این را باید برای همیشه به خاطر سپرد که امپریالیسم دشمن سرسخت آزادی و استقلال ملت هاست.

نماینده کوبا از همه نیروهای انقلابی جهان خواست تا برای درهم کوبیدن امپریالیسم متحد شوند. لی وان سائو از ویتنام در قسمتی از سخنانش گفت:

"... این کنفرانس بدون شک در راه پیروزی انقلاب و محکوم کردن امپریالیسم آمریکا قدم بر خواهد داشت. کشور ما این لحظات مبارزه مردم ایران را درک می کند زیرا مردم ما هم این تجربه را داشتند و مورد هجوم وحشیانه امپریالیسم آمریکا قرار گرفته بودند... نماینده جمهوری دمکراتیک خلق کره در سخنرانی خود چنین اظهار داشت:

"ما پشتیبانی خود را از مبارزه مبین پرستانه و برحق مردم ایران اعلام می کنیم و همچنین از خواسته های آنها برای حفاظت از حاکمیت ملی خود و نیز از صلح در منطقه خاورمیانه پشتیبانی می کنیم و در اینجا حمایت بی دریغ خود را از انقلاب اسلامی ایران اعلام می کنیم. ما ایمان داریم که این کنفرانس می تواند به عنوان یک عامل نوین در مبارزه به حق و قانونی مردم ایران عمل کند و همچنین نقشها و توطئه های امپریالیسم آمریکا در ایران و سایر نقاط دنیا را افشا سازد. ما برای پیروزی این کنفرانس آرزوی موفقیت می کنیم."

با وجود مواضع قاطع ضد امپریالیستی از جانب نمایندگان فوق و سایر هیئت های شرکت کننده در کنفرانس، برخورد فعال از جانب دستگاه های تبلیغاتی داخلی و خارجی می توانست افشای جنایات آمریکا را در سطح جهانی و در ابعاد وسیعی به خود اختصاص دهد بقیه در صفحه ۱۱

گسسته باد همه وابستگی های اقتصادی، سیاسی نظامی، و فرهنگی

بقیة از صفحه ۶

دو گرایش ...

بی محتوای مبارزاتی موجود در جنبش کارگری ایران، نیز این حزب اینچنین حقایق مبارزات انقلابی یکساله اخیر کارگران را تحریف می کند که شکل عمده مبارزات کارگران را "عریضه نویسی و ارسال نامه به مقامات مسئول" می داند و می نویسد:

"کارگران ضمن خواست های معقول (۱) خود و مبارزه برای تحقق آن، اعتصاب، تحصن را رد کردند."

یکساله اخیر ایران داشته باشد نمیتواند چنین جعلیاتی را به عنوان "حقایق مستند" بپذیرد. اشکال عمده مبارزات کارگران در یک ساله اخیر، تحصن و اعتصاب بوده است، نه عریضه نویسی و ارسال نامه. ولی "حزب توده" به مقتضای بیهوش عمیقاً انحرافی و سیاست رفورمیستی اش قادر به رویت مبارزه انقلابی نیست و بنابراین اعتقاد که کارگران ناپستی حرکت اعتراضی داشته باشند ناگزیر است اینچنین حقایق را تحریف کند. این بیهوش آنچه را که از نظر خواسته های حاکمیت و همچنین ذهنیت رهبران "حزب توده" معقول می نماید، به جای حرکات واقعی، جاری و عیناً موجود کارگران و توده ها می نشاند و براساس چنین ذهنیتی، تاکتیک های عمیقاً انحرافی اش را اتخاذ می کند. بیهوش و سیاست انحرافی "حزب توده":

- ۱- نه تنها نمی تواند طبقه کارگر ایران را در جهت احراز هویت مستقل باری دهد بلکه اساساً صف مستقل پرولتری را نفی می کند و فراتر از آن
- ۲- اساساً به تشکلهای توده ای و دمکراتیک از قبیل شوراهای (اعم از کارگری، دهقانی و...) اعتقاد و اتکا نداشته و در امر پیشبرد مبارزات دمکراتیک بطور جدی اخلال می کند و به واسطه این انحرافات به این توهم مبتلاست که:
- ۳- یک حزب رفورمیست می تواند به اتکای تبعیت بی چون و چرای ضوابط موجود و به کمک بلوک سوسیالیستی، به تدریج ضوابط و قوانین موجود را در سایه تبعیت داهیانه اش از آن، از مضامین سرمایه داری دور کرده و حاکمیت را به سوی سمت گیری سوسیالیستی بکشانند.

انقلابیون کمونیست برخلاف رفورمیست ها و آنارکو سندیکالیست ها وظیفه شان را شرکت فعالانه در مبارزات عیناً جاری توده ها و سازماندهی و ارتقاء سطح مبارزاتی آن حول سیاست مستقل طبقه کارگر می دانند. به نحوی که این مبارزه:

- اولاً- به مبارزه ضد امپریالیستی - دمکراتیک توده ها عمق و وسعت بیشتری دهد و بر امپریالیسم و متحدین داخلی اش ضربه زند،
- ثانیاً - به اعتبار تبلیغ و ترویج مستمر و پیگیرانه سوسیال دمکراسی، هسته صف مستقل پرولتری را به عنوان محرکه اصلی و تعیین کننده انقلاب تقویت نماید. بدون در نظر گرفتن این وظیفه اساساً حفظ دستاوردهای انقلابی توده ها و گسترش آن و از همه مهمتر تشکیل صف مستقل پرولتری به منظور تامین هژمونی آن ناممکن است.

سووتو: فریاد ... بقیة از صفحه ۵

به وجود آمد که پس از سیر مراحل چند و تغییر و تحولات بسیاری امروزه به عنوان عمده ترین سازمان سیاسی که رهبری مبارزات مردم آفریقای جنوبی را در دست دارد شناخته میشود رفیق اولیور تامبو، رئیس این سازمان در پاسخ این سؤال که کنگره ملی آفریقائی از چه اشکالی برای پیشبرد مبارزه مردم آفریقای جنوبی استفاده می کند، چنین گفت:

"ما در مبارزه مان برای سرنگونی رژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی تلفیقی از فعالیت های سیاسی توده ای، فعالیت های صنفی به وسیله طبقه کارگر (منظور مبارزات کارگری - گسار) و عملیات مسلحانه به وسیله ارتش خلقمان "امخونتو وی سیزوی" (نیزه ملت) به وجود آورده ایم. در عین حال ما همواره روشن ساخته ایم که اتحاد مردم در یک جنبش سیاسی وسیع کلید اصلی نیل به پیروزی در مرحله فعلی مبارزاتمان می باشد.

بنابراین به نظر ما وظیفه سازماندهی توده ها هم عمده و هم متداوم می باشد. ما در حال افزایش فعالیتمان در بین طبقات و گروه های اجتماعی مختلف هستیم. فعالیت سیاسی (ما) شامل مبارزات روزمره و مقاومت علیه حکمرانان نژاد پرست و سیاست آنها مبتنی بر حفظ رژیم اختناق سیاسی و بردگی اقتصادی اکثریت مردم، می باشد. نیرومندترین بخش جنبش ما طبقه کارگر می باشد که عمدتاً از سیاه پوستان تشکیل یافته است. این بخش در چندین سال گذشته بارها قدرت و رزمندگی خود را نشان داده است. فعالیت های سازماندهی و سیاسی ما همچنین به دهات نیز گسترش می یابد. جایی که مردم محکوم به زندگی کردن در بانتوستان هایی که نژادپرستانه هستند و حوادثشان علیه بکدیگر تحریک می شود.

سازماندهی تمام مردم ستمدیده و انتشار شده برای مقاومت فعالانه در مقابل رژیم نژاد پرست، اساس مبارزه مسلحانه ای است که مردم خود تصمیم آن را گرفته اند. در خلال سال ها، ابعاد عملیات نظامی واحدهای "امخونتووی سیزوی" را گسترش بخشیده ایم پیروزی های آتی خلق های زیمبابوه و نامیبیا امکان تشدید عملیات نظامی میهن پرستان را در آفریقای جنوبی افزایش خواهد داد و به راستی که پیروزی های اخیر خلق زیمبابوه تأثیرات خود را از هم اکنون بر رتد مبارزات در آفریقای جنوبی بخشیده است. رژیم نژاد پرست که از این تأثیرات به هراس افتاده است، تحریکات خود علیه دولت تازه استقلال یافته زیمبابوه را شدت بخشیده است. اما این توطئه گری ها نیز مسلماً در عمره راسخ مردم آفریقای جنوبی نمی تواند خنثی به وجه آورد.

رژیم آپارتاید محکوم به شکست قطعی است. خلق آفریقای جنوبی سرانجام بیروز نخواهد بود. سالگرد قهرمانانه سووتو گرامی باد. یاد شهدای این قیام و تمام قهرمانان مبارزه علیه رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی جاودان باد. سازمان ما در سالگرد این قیام با درود بی پایان به مردم آفریقای جنوبی، رزمندگان انقلابی موفقیت های روزافزونی را برای مبارزات آنها آرزو می نماید. پیروزی از آن پرولتاریا و خلق های جهان است.

کنفرانس ...

بقیة از صفحه ۱۰

ولی مطبوعات رسمی کشور و رادیو، تلویزیون یا سیاست تنگ نظرانه خود، دامنه افشای جنایات امریکا را محدود کردند. روزنامه ها تنها سخنان "ضد امپریالیستی" رمزی کلارک جاسوس امریکائی در کنفرانس را با تیتزه های درشت در صفحات اول روزنامه خود به چاپ رساندند. در حالیکه سخنرانی های نمایندگان واقعی خلقهای پیروزمند کشورهای مترقی و کمونیست کاملاً منعکس نشد. حزب جمهوری اسلامی بخاطر انحصار طلبی و تنگ نظرهای گروهی و از آنجا که ابتکار و انحصار تشکیل کنفرانس را در دست نداشت، با بی تفاوتی خود و جلوگیری از تبلیغات وسیع کنفرانس مانع بهره برداری کافی از این کنفرانس شد. در عین حال کنفرانس می توانست گامی موثر در معرفی دوستان بین المللی خلقهای میهن ما باشد ولی محدودیتهای تبلیغاتی مانع اجرای کامل جنبش و طیف های شد. در ضمن شرکت بعضی محافل لیبرال چه از داخل و چه از خارج در کنفرانس، و بخصوص عدم فاطمیت سرانان کنفرانس، موجب شد که کنفرانس با صدور اطلاعیه ای در زمینه محکومیت امپریالیسم امریکا کار خود را پایان دهد. در حالیکه صدور قطعنامه بجای اطلاعیه، می توانست قطعیت محکومیت امپریالیسم را به گوش همه جهانیان برساند. با اس وجود صدور اطلاعیه کنفرانس که همه نمایندگان در آن اتفاق نظر داشتند، صرهای دیگر بر سکر درحال انحصار امپریالیسم بود. کنفرانس در اس اطلاعیه تحلیل از شهدا و مبارزه قهرمانانه خلقهای ایران، امپریالیسم امریکا را در رسته دخالت های چندین دهساله اش به امور داخلی ایران، تجاوز احمر، تهدیدات، محاصره اقتصادی و فشارهای وارده بر دانشجویان مقیم امریکا را محکوم کرد و حق ایران را در دریافت سرر و زبان های وارده حمایت ۲۷ ساله امریکا و استرداد شاه مخلوع به رسمت شناخت.

با امپریالیسم جهانی بسر کردگی امپریالیسم امریکا

اطلاعیه

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

درباره

انشعاب «اقلیت»

به آگاهی هم میهنان آگاه و مبارز می‌رسانیم که اقلیت سازمان با انتشار نشریه‌ای با اسفاده از آرم و نام نشریه "کسار" ارگان سراسری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، انشعاب خود را از سازمان چریکهای فدائی خلق ایران رسمی بخشیده است.

لارم به یادآوری است زمانی که نشریه "کسار" ارگان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران شماره ۶۱ مورخ چهارشنبه ۱۲ خرداد ۱۳۵۹ با دو روز تاخیر که ناشی از مسائل مطروحه با اقلیت بود، همراه با یک صمیمه که طبق موافقت سازمان به "اب اقلیت پیرامون" شماره اندولوریک علی و "ترکیت ماهیت دولت" و موضع اکثریت در برابر اقلیت احصای یافته بود، به زیر چاپ فرستاده می‌شد. "اقلیت" سازمانی که در پلنوم یکم سازمان در مهرماه ۵۸ حول بهیمن گذشته تشکیل و کسار ۱۰٪ اعصاب سازمان را در بر می‌گرفت. آخرین اقدام انحلال طلبانه خود را علیه تمام تلاشها و اعطاف‌های رهبری سازمان به اجرا گذاشت. آخرین شماره "اقلیت" برای اس اقدامات اشتباهگراانه ظاهرا آن بوده است که اکثریت در صمیمه "کسار" ۶۱ بطراز خود را با امضای سازمان درج کرده بود. لارم به تذکر است که قبل از آنکه نشریه "اقلیت" که از روز سه‌شنبه ۱۳ خرداد آماده بورچ بوده است، پخش شود، رهبری سازمان به "اقلیت" اطلاع داد که بران جلوگیری از این نحوه انشعاب مرکزیت آماده است که در تصمیم خود پیرامون موضوع امضا تجدید نظر کند. هر چند که اصولا این سازمان اقلیت را غیراصولی و غیرمنطقی می‌شناسد. بر اساس این تصمیم نخبه‌مآنی از "کسار" ۶۱ که از امضای سازمان در صمیمه استفاده شده بود، قبل از بورچ جمع‌آوری شد، اما "اقلیت" حتی پس از اطلاع از موافقت سازمان هم حاضر شد از بورچ نشریه‌ای که با نام و آرم "کسار" از قبل آماده کرده بود صرف‌نظر کند.

این نحوه برخورد و آماده تورج بودن نشریه "اقلیت" قبل از چاپ "کسار" ۶۱ که امضای آن مورد اعتراض اقلیت بود، نشان می‌دهد که اعتراض به اسفاده از امضای "سازمان" بهانه‌ای بیش نبوده است و در صورت رعایت آن بارهم "اقلیت" انشعاب می‌کرد. با توجه به حقایق فوق موکدا یادآور می‌شویم:

مواضعی که این جریان اعلام می‌کند و هیچ یک از مطالبی که انتشار می‌دهد مورد تأیید رهبری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، ناحمها و ارگان‌های بوده‌ای سازمان در سراسر ایران نخواهد بود. سازمان هیچگونه مسئولیتی در برابر اقدامات و مواضع منضمین بر عهده نخواهد داشت.

مواضع سازمان در نشریه "کسار" ارگان سراسری آن اسرار خواهد یافت. نشریات منضمین چنانچه با نام و عناوس خاص سازمان انتشار باید هیچگونه سندی و رسمت سازمانی ندارد.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
چهارشنبه ۲۱ خرداد ماه ۱۳۵۹

مبارزات دهقانان روسای سراسر با فرسنگی به خوبی نشان می‌دهد که:

زحمتکشان متشکل در شورادر عمل با محاصره اقتصادی و تجاوزات امیربالیسم مبارزه می‌کنند

و رحمت ساه‌روزی، محصول حوسی به دست ساه‌روزی و حتی هرینه تولید را سیر حیران نکند. از طرف دیگر زمینداران بزرگ و سرمایه‌داران سراسر حراستکاری در امر تولید می‌پردازند بطوری که در یکی از نساها به کمک عوامل خود مزارع را مورد حمله قرار دادند و تمام محصول هدوانه و حوبره و آساکردان کشاورزان را از پس بردند.

پس از مدتی سر و کله یک کمیسیون مرکب از نمایندگان استانداری، اصلاحات ارضی، ثبت، صنایع طبیعی و یک روحانی، سیر پیدا شد که می‌خواست به اصطلاح تکلیف زمینهای را که متعلق به مردم بود و توسط آنها از عاصبین پس گرفته شده بود، روشن نماید.

این کمیسیون پس از "جلسات و تحقیقات" خود به معج سرمایه‌دار، "علی احمدی" رای داد و زاندارمیری را مأمور کرد تا زمینها را از دهقانان رحمتکش پس بگیرد.

مردم مبارز و انقلابی روستا که چنین دیدند و دریافته که نمایندگان سازمان‌های دولتی فقط و فقط به نفع اربابان می‌اندیشند و سروسخت مردم رنجیده روستا برایشان اهمیتی ندارد در صدد حفظ دستاوردهای مبارزاتی خود، بمسئولین زمینهای صادره شده برآمدند و با مقاومت خود مأمورین متجاوز زاندارمیری را وادار به عقب نشینی نمودند.

دهقانان در جریان این مبارزات هرچه بیشتر و بیشتر به صورت تشکل و اتحاد و تعویب شورای خود پس می‌پردند. آنها در پشت سر نمایندگان واقعی خود مومین شدند توطئه‌های بسیار دیگری را نیز خنثی نمایند. از جمله "حاج علی‌علی احمدی" را که می‌خواست با پشت کارخانه ریسندگی و

سپاره کاسه سد. قسمی از زمینها سر به کشت انواع دیگر محصولات از قبیل سیب زمینی، هندوانه و ... احصای داده شد.

مردم با تلاش و کوشش شبانه‌روزی خود نشان دادند که همواره در پی افزایش محصول و بهبود وضع اقتصادی کشورند

مردم رحمتکش به این ترتیب قادر شدند با معادله زمینها و کت سوراخی آن کام مهمی در راه افزایش محصولات کشاورزی بردارند آنها با این عمل خود نشان دادند که رحمتکشان همواره در پی افزایش تولید و بهبود وضع اقتصادی کشورند و خاطر همین هدف هم بود که شورای دهقانی به نمایندگی از طرف همه رحمتکشان روستا از "اداره آساری" خواست که به منظور تأمین آب لارم، امتیاز یک لیمه چاه عمیق را به روستائیان واگذار کند.

لیکن مقامات اداره موق از صدور چنین امتیازی خودداری کردند و بهانه‌شان هم این بود که چاه عمیق در این منطقه مسوع است. دهقانان رحمتکش از خود می‌پرست:

"به راستی چگونه است که حفر چاه برای سرمایه‌داران بزرگی از قبیل "حاج علی احمدی" ممنوع نیست و آنها بلافاصله آنچه را که می‌خواهند از دولت می‌گیرند ولی سویت به مردم که می‌رسد هزار و یک بیانه جور می‌شود؟"

سازمان‌های دولتی در منطقه با سنگ اندازی بر سر راه کشت و کار زحمتکشان و همکاری با زمینداران بزرگ و فئودال‌ها، عملا در مقابل مردم قرار می‌گیرند!

به هر حال نتیجه کارشکی مسئولین دولتی در امر تأمین آب مورد نیاز روستائیان، این شد که آنها علیه مردم روح

روسیای سراسر در استان کرمان واقع شده است. مردم سارر این روستا سالهاست که زیر سم سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ منطقه (کدخدای سابق ده "حاج علی، علی احمدی" قرار دارند و روز و شب توسط آنها اسستار می‌شوند.

کدخدا یکی از اربابان مالی و سرمایه‌داران بزرگ است که سالها ریان و دحبران و سراسر جوان روسا را با تارلسر دستبرد و حتی به صورت تنگاری به کار واداشه است.

"حاج علی احمدی" سر صاحب کارخانه ریسندگی و نامدگی سراسر است که به بسیاری "کدخدا" زمینهای وسیعی را غصب کرده و به چپاول و غارت مردم مشغول است.

مردم رحمتکش سراسر که در برابر ظلم و جور و حشانه اربابان، روزبروز سسر به صورت اتحاد و همسنگی می‌می‌گردند. در اشد ماه ۵۲ تا کتک و راهمسانی جوانان آگاه روسا مومین شدند، شورای واقعی خود را تشکیل دهند. آنها در جریان سالها مبارزه و مقاومت در برابر دشمنان خود به این امر پی بردند که سها از طریق تشکل جیس سوراخی و تا کتک بر مبارزه خود می‌تواند زمینهایشان را از عاصبین پس بگیرد و نیز آنها را از سر خود کم کند.

روز هجدهم اسفندماه، همه دهقانان رحمتکش، طبق فراری که شورای دهقانی معین کرده بود، زمینهای زمینداران بزرگ را مصادره نمودند و به منظور حفظ همسنگی و اتحاد بین خود مزارع گذاشتند که زمینها را بطور دسته‌جمعی کشت و اداره نمایند. هر عضو شورای دهقانی حدود ۳۰ کیلوگرم گندم و دهومان بول در احسار نمایندگان خود مزار داد و به این ترتیب پس از ۲۰۰۰ کیلوگرم گندم صورت

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند

مبارزات دهقانان

بقیاض صفحه ۱۲
بامدگی، ریان و دختران روسای و از آن طریق دهقانان مفر و خوشنشین را تحت فشار قرار دهد، وادار نمودند تا کارخانه را دوباره به راه بندارد و حقوق ایام تعطیل را نیز پرداخت کند.

سراسر مبارزات زحمتکشان این روستا به وضوح نشان می‌دهد که توده‌های کارگر، دهقانان و سایر زحمتکشان سواها انزلی تولید کنند و به این ترتیب در عمل با محاصره اقتصادی و تجاوزات امپریالیسم مبارزه می‌کنند و در مقابل آنها زمینداران بزرگ، سرمایه‌داران و حامیان آنها در دولت، در امر تولید، مراکار می‌کنند و اوضاع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه را به نفع اربابان خود متعصب می‌سازند.

بقیه از صفحه ۱

عردم ما خواهان...

رژیم‌های سرکوبگری مثل رژیم نظامی پاکستان که برای ادامه غارت و استثمار مردم زحمتکش پاکستان توسط امپریالیسم جهانی کوچکترین حرکات اعتراضی مردم پاکستان را به خون می‌کشند و در واقع در مقام یک زنجیری امپریالیسم امریکا عمل می‌کنند. با رژیم مثل رژیم شیوخ فاسد و دست نشانده عربستان سعودی که روزی میلیون‌ها دلار ثروت مردم عربستان سعودی را به پای امپریالیسم امریکا می‌ریزد، اما مردم عربستان خود از ابتدائی ترین زندگی محرومند و با رژیم تونس که یکی از بایگامهای امپریالیسم جهانی در شمال افریقا است امروز رسالت باعتماد تحت پوشش دفاع از استقلال افغانستان از یکسوتوجه مردم منطقه را از تجاوزات و مداخلات امپریالیسم امریکا و صهیونیسم منحرف سازند و از سوی دیگر با پشتیبانی از متوالها و خوانین مرتجع افغانستان طرحهای امپریالیسم امریکا را در این منطقه از جان به اجرا در آورند.

ما صن محکوم ساختن همکاری دولت با این رژیم‌های سرسپرده اعلام می‌داریم که این سیاست که عملاً خواست مردم امپریالیسم امریکا است به هیچ وجه مورد قبول مردم میهن ما نبوده و نیست. این سیاست دولت به معنی همکاری با دشمن اصلی حلقه‌های ایران و جهان علیه مصالح و منافع خلق‌های منطقه است. مردم ما وظیفه خود را در کمک به مردم پاکستان و تونس و عربستان سعودی و امتالیم برای سرنگونی رژیم‌های سرسپرده این کشورها می‌دانند نه همکاری بانوکران امپریالیسم.

دنیال مبارزات زحمتکشان روستا:

نخستین گام در راه اجرای طرح اصلاحات ارضی برداشته



مخالف منافع طبقاتی خود می‌دیدند. از همان لحظه تصویب، سعی نمودند که از اجرای آن جلوگیری به عمل آورند و در این راه از هیچ اقدامی فروگذار نکردند. جنگ افروزی در مناطق مختلف، بمبارش‌کنشیدن خرمین‌ها، سرکوب و کشتار زحمتکشان روستا، تلاش در جهت از میان برداشتن شوراهای واقعی روستائیان و ... همه اقداماتی است که در این زمینه صورت گرفته است. آنها در اجرای نقشه‌های ضد خلقی خود از حمایت جناح ارتجاعی روحانیت نیز برخوردار بودند که هر اقدام علیه سرمایه‌داران، زمینداران بزرگ و هر طرح ضد امپریالیستی را با کلاه شرعی و با سوء استفاده از ناآگاهی طبقاتی و احساسات پاک مذهبی روستائیان، تحمیل کرده‌اند. بهبوده نیست که طرح اصلاحات ارضی را نیز مخالف شرع و به اصطلاح گمراهی خوانده‌اند. اما مبارزات دهقانان زحمتکش، علیرغم این تلاش‌های مذبوحانه ادامه پیدا کرد و پس از چند ماه اجرای طرح موق را بعنوان یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر در برابر شورای اغلات و سایر ارگان‌های مملکتی قرار داد. اقداماتی که با اجرای طرح اصلاحات ارضی در زمینه معادله زمین‌های زمینداران بزرگ، واگذاری آنها به روستائیان، تلاش‌هایی در جهت سر و سامان بخشیدن به وضعیت سیستم آبیاری زمین‌های کشاورزی، کوشش برای بهبود امر وام دهی به روستائیان و ... اگرچه بخش کوچکی از خواست‌های اقتصادی دهقانان را برمی‌آورد، لیکن به مثابه یک پیروزی نسبی برای زحمتکشان

نمی‌تواند مورد حمایت مناصر و نیروهای انقلابی قرار نگیرد. اما حل ریشه‌ای مسائل روستاهای ایران را به هیچ وجه نمی‌بایست در اقدامات و طرح‌های فوق خلاصه نمود. مبارزات دهقانان ایران، یک مبارزه انقلابی-دمکراتیک است یعنی از یک سو در جهت خلع ید کامل از زمینداران بزرگ و سرمایه‌داران در روستاها، حرکت می‌کند و از سوی دیگر در عمل نشان داده است که حل این مسائل جز از طریق انکاب به سروری نخواهد بود. روستائیان و تشکل آنها در امکان‌پذیر نیست.

زحمتکشان ده در جریان مبارزات خود نشان داده‌اند که اولاً هرگونه طرح و برنامه‌ای که مربوط به مسائل و مشکلات آنان است، می‌بایست از درون شوراهای واقعی خود آنها بیرون بیاید و توسط چنین شوراهایی جامعه عمل به خود بهبود. طرح اصلاحات ارضی که هم اکنون اجرای آن آ شده است، این جنبه را تقریباً بطور کامل به فراموشی سپرده است. هیئت ۵ نفره ای که قرار است بر اجرای این طرح در سراسر کشور نظارت داشته باشد، بدون شرکت نمایندگان دهقانان تشکیل شده و نیز هیئت‌های ۷ نفره استانی به نعت کسرل روستائیان، بلکه صرفاً با شرکت دو تن از نمایندگان آنها امر اصلاحات ارضی را دنبال می‌کند. به این اعتبار طرح تصویب شده، طرحی از بالاست و در کنترل زحمتکشان نیست و بنابراین یکی از اساسی‌ترین خواست‌های زحمتکشان ده یعنی به دست گرفتن تمامی کنترل امور مربوط به زندگی‌شان را برآورده

نمی‌کند. تا تنها مشکل روستاهای ما تنها به بازپس گرفتن زمین زمینداران بزرگ و سرمایه‌داران - آنهم بحتی از زمین‌ها - محدود نمی‌شود بلکه دهقانان زحمتکش خواهان خلع ید کامل از زمینداران بزرگ و سرمایه‌داران هستند. یعنی آنها می‌خواهند که کلیه اموال و دارائی‌های ایسان معادله شود و در اختیار زحمتکشان قرار گیرد.

دهقانان با مبارزه علیه زمین‌داران بزرگ، مبارزات ضد امپریالیستی را عمق می‌بخشند.





مبارزات پرسنل انقلابی ارتش

علیه عوامل جنگ افروز و فرماندهان سرسپرده ارتش

امروز آگاهی است که حاضر به کشتار برادران خود نیست. این واقعه است که جنگ افروزان از انشای آن می‌دراسند و تلاش دارند این مبارزات را سرکوب کنند. جنگ افروزان نمی‌دارند با شومهای اعدام، ترور، حبس و اخراج خطر اعدام (سپهر و سا) و اعدام استواران و غلبان تصور حاج قاسمی و اعدام چند غلبان هواسپور. همچنین ترورهای برجسواد سعادتی ساییده درجه‌داران پایگاه یکم مهرآباد و عنوان نوم مرادعلی الفتی، اخراج و زندان ساییدگان برج - داران محسن در دانشگاه و پایگاههای امیرالاسم را در ارتش نظارت و زمینه را برای تحویل توطئه‌های امریکا هموار سازند.

آکون با هرچه آشکارتر غن توطئه‌های فرماندهان مزدور ارتش علیه خلق‌های ایران حفاظت مبارزات پرسنل انقلابی و مطالبات آنان به ثبوت رسیده است. باجبری رسوائی انگیز تهاجم نظامی امریکا به خاک ایران و شرکت فرماندهان ارتش در این توطئه خود گویای خطری است که همچنان با ابقاء فرماندهان مزدوری چون شماری باقری، فلاحی و... و تضعیف پرسنل انقلابی چنین انقلابی خلق‌های میهن را تهدید می‌کند. آکون پرسنل انقلابی وظایف سنگین و دشواری را پیش رو دارد. جنگ افروزی‌های ارتش در کردستان و حمایت‌هایی که از جانب جناح‌های جنگ افروز حاکمیت می‌نود، توطئه‌های علیه عهد خلق‌های ایران خواهد بود. به این جهت پرسنل انقلابی مس افتخار فرماندهان ارتش و مقابله با جنگ افروزی و سرکوب خلق کرد باید مبارزات خود را علیه سیستم امریکائی برانگیزد.

توطئه‌هایی را که توسط فرماندهان مزدور و به کمک پرسنل منزحل و هواداران شاه امکان وقوع دارد، افشا و خنثی نماید.

هواسپور و احکام دادگاه‌های ارتش صریح از امتزای و تنفر پرسنل آگاه در سایر پایگاهها و پایگاهها را برانگیخت و این حسنگی سرافروزی پرسنل آگاه آنان را در ادامه مبارزات علیه جنگ افروزی و علیه فرماندهان مزدور محسوستر

آکون با هرچه آشکارتر غن توطئه‌های فرماندهان مزدور ارتش علیه خلق‌های ایران حفاظت مبارزات پرسنل انقلابی و مطالبات آنان به ثبوت رسیده است.

ساخت. همپس در تاریخ ۲۲ اردیبهشت ۵۹، ۲۸۰ نفر از پرسنل ارتش، از سنج به تهران امروم و به اتهامات واهی و در واقع به خاطر سردرودی با خلق کرد به دادگاهها سپرده شد.

درجه‌داران گلا سر (تیب بود) که فیلا نیز طی چند حرکت امتزای خود توطئه‌های فرماندهان امریکائی را به گونی سردر رسانیده‌اند. در تاریخ ۲۲ اردیبهشت ۵۹ با انتشار

پرسنل انقلابی ضمن انشای فرماندهان ارتش و مقابله با جنگ افروزی و سرکوب خلق کرد باید مبارزات خود را علیه سیستم امریکائی حاکم بر ارتش تمهیل دهند.

اعلامی‌های بنیاسی کردان‌های او او او واحد بنیاسی و گروهان فرارگاه و واحد آموزشگاه و رسته محابرات را از امتناع همکاریان مبارزان در کردان از شرکت در جنگ کردستان اعلام و به فرماندهان ارتش در قبال هرگونه توطئه خائفانه اخطار کردند.

همه حرکت‌های امتزای پرسنل که در بالا ذکر شد، بخلاف روح اسعفا، درخواست بازخرید، ترور، ... مبارزات مبارزات فرماندهان درجه‌داران و

سلبان) در جریان واقعات و من فاجعهای که صورت می‌گرفت، گذاردند. آنان برای همکاری خود توصیف کردند که چگونه تودمهای مردم در زیر باران خمپاره و توپ ارتش و پاداران به خون می‌فلطند و چگونه فرماندهان ارتش می‌خواهند پای پرسنل آگاه را به این جنگ تحمیلی بکشاند. به همین جهت در تاریخ ۲۹ اردیبهشت ۵۹، امیران و ستوان‌باران غلبان هواسپور استیضای طی یک گردهمایی، لطصانه‌های صادر کرده و دست به تحمیل زدند. امیران خواستار توصیح فرماندهان برامون انگیزهای امروم آنان به کردستان بودند.

از سوی واحد سیاسی - ایدئولوژیک هواسپور، جنگ برادرکنی کردستان، جنگ اعلام با کفرا اعلام شد و غلبانان که به کشتار خلق زحمتکش و صلح طلب کرد آگاه بودند در گردهمایی مورخه ۲۲ اردیبهشت باردیگر تصمیم خود را صریح بر عدم شرکت در سرکوب خلق کرد اعلام داشتند. در این روز ساییدگان و تعدادی از پرسنل انقلابی توسط واحد سیاسی - ایدئولوژیک پایگاه شناسایی و ثبت هنگام در مارشان دستگیر شدند. در مجموع ۲۲ نفر از پرسنل انقلابی هواسپور در دادگاه‌های نظامی محاکمه شدند که از این تعداد ۹ نفر از آنان به اتهام تحریک، ترور، امتزای و... و در واقع به خاطر امتزای و طاوت بر قبال کشتار جانبکاران خلق کرد و امتناع از بحاران کردستان به اعدام و زندان محکوم شدند. در خلال این روزها بمزالدین حماری (ساییده اول مجلس) در پایگاه هواسپور و مساجد به صبر رفت و به توجیه این جنایات و ظلم حقایق جنگ تحمیلی کردستان پرداخت. او پرسنلی را که حاضر به شرکت در سرکوب خلق‌های خود نبودند، مزدور امریکائی، آبادی بیگانه، صال مرانی و... نفری کرد!

انگاس طاوت پرسنل

انگاس طاوت پرسنل

عظما و امیران را در قبال جنگ برادرکنی در کردستان حرکت‌های فردی و تحریکات انقلاب جلوه دهد. ولی امتزای دست‌جمعی از شرکت در غنوب و گسترش و افروزی در امتزای و تحمیل و فرار در پایگاه‌های تهران و ... است. در همین ایام را بر ملا و پیش از پیش رسوائی ساخته است.

در اواخر فروردین ماه سال جاری با او حکمیری ناخبرهای سرکوبگر ارتش در غرب کشور و سپس شروع درگیری در سنج. کت‌های امتزای سبب به یک برادرکنی و طاوت پرسنل در پایگاهها و جنبه جنگ شدت گرفت. پرسنلی که حاضر به کنودن آتش به روی تودمها بودند در لنگر ۲۸ سنج و لنگر ۶۲ ارومیه و سایر پایگاهها دست به تحمیل زدند و از رفتن به جنبه خودداری کردند.

خلق کرد خواهان برقراری صلح عادلانه است. لذا پرسنل انقلابی با درک این واقعیت که هرگونه تکلیف به فرمان‌های آتش افروزانه فرماندهان ارتش خیانت به زحمتشان کرد است، علیه جنگ افروزی و برادرکنی ایستادگی می‌کنند.

آنان با انتشار اعلامیه‌ها، ایراد سخراسی‌ها و با طوق گویاگون به روشنگری بین همکاری خود و انشای طامد نوم و موافقی‌های فرماندهان مزدور پرداختند حتی همزمان با این حرکات امتزای، تعدادی از سرباران در جنبه به هوستان کرد خود پیوستند و با ار پادگان‌ها گریختند.

در هواسپور اسفهان چه گذشت؟

گسترش دامه جنگ در اردیبهشت ماه با حمله و تهاجم سروی هوایی به کردستان همراه بود. غلبان‌های آگاهی که به جنبه امروم نده بودند همکاری خود مستر در هواسپور اسفهان را (متشکل از دو گروه رزمی اسفهان و مسجد

ار همان بهار سال ۵۸ و آمار سرکوب خلق کرد تاکنون سرباران، درجه‌داران و امیران آگاه ارتش در اشکال مختلف علیه شرکت ارتش در کشتار خلقی زحمتکش و سمدیده کرد به سارزه برحساند. آنان با تحمیل امتزای، ترور و فرار تنفر خود را از آتش کنودن بر روی تودمها نشان دادند. آنان با حضور زندان و حتی مرگ وفاداری خود را به آرمان زحمتکش به ثبوت رسانیدند. فرماندهان مزدور ارتش به سرکوب پرسنل انقلابی پرداختند و با برآوردن دادگاه‌های مرمانی احکام زندان و اعدام را صادر کردند. آنان با اعدام اصال ستوان سپهر سا و بارانش در کردستان به خیال واهی خود خواستند به مبارزه و طاوت پرسنل انقلابی خانه بختند. آکون که پیش از دو ماه است جنگ برادر کنی

محدودی به مردم فهبران کرد تحمیل شده است. سرباران درجه‌داران، همافران و امیران آگاه سروهای صلح همپسان علیه فرماندهان مزدور و سرسپرده و همه جنگ افروزان به مبارزات گسیخته خود ادامه می‌دهند. آنان به خوبی آگاهند که خلقی که جنگ افروز است، خلقی که خواهان برقراری صلح عادلانه است. لذا پرسنل انقلابی با درک این واقعیت که هرگونه تکلیف به فرمان‌های آتش افروزانه فرماندهان ارتش خیانت به زحمتشان کرد است، علیه جنگ افروزی و برادرکنی ایستادگی می‌کنند.

فرماندهان مزدور، آتش افروز و جنگ طلب می‌گویند امتزای و طاوت وسیع و همه جانبه سرباران، درجه‌داران

شیخ مسلح تودمها ضامن پیروزی خلق‌های ماست

شکست سیاست‌های امپریالیستی در مورد تحریم بازیهای المپیک

نامه یک سر باز :
در هر شهری که کارگران و زحمتکشان فریاد
حق طلبانه خود را سر می دهند ، پادگان نزدیک
به آنها برای سرکوبی مردم به حال آماده باش
در می آید

کامل درماید و این آماده
باش بخاطر کشتار خلق به
پاجاسه است. مانند: دورود
پادگان حرم آباد، سروحرد،
اندیمشک، درمزل و
پاسداران ارومیه، پادگان
ارومیه و غیره... و در
پادگان‌ها هنوز همان
دستورات شاهنشاهی حاکم
است و هر سربازی که فریاد
اعتراض آمیز خود را نسبت
به این دستورات سر بدهد،
به حکم اخلاکگر به
دادگاههای به اصطلاح
انقلاب معرفی و سپس محاکمه
و زندانی می شود. و حال
این پرسش انقلابی چگونه
سیاساتی می شوند؟ درجه -
دارانی که در رژیم فاسد
گذشته در رکن ۲ با ساواک
پادگان‌ها بودند، و الان با
خواهش آنها را به سر کار
قبلی خود آوردند و از اسر
طریق به دستگیری برسر
انقلابی می پردازند. و یکی
بقیه در صفحه ۷

دورود بی پایان به سازمان
حربکهای فدائی خلق ایران
ضمن دورود بی پایان به
سازمانی که در حقیقت
شاهرگ حیاتی زحمتکشان
است، من یک سر باز همم و
در پادگان حرم آباد مشغول
خدمت همم. من با این
خیال که ارس و واقعا بعد از
قیام خونین ملت قهرمانان
خلفی شده است، جهت
خدمت به خلق تحت ستم
اعزام ستم و در این مدت
۷ ماه خدمتم از نزدیک
حیاتیهای ارتش را با چشم
خود می بینم و از آن سازمان
می خواهم که به ملت تحت
ستم بگوید که ارتش فقط
اسم عوض شده است و
زحمتکشان نباید فریب این
ارتش را بخورند. باید
متذکر شوم در هر شهری که
کارگران و زحمتکشان فریاد
حق طلبانه خود را سر
می دهند، پادگان نزدیک
به آن به حال آماده باش

تصمیم گیری تعیین کرده بود
و بدین ترتیب خط مسی
سیاست خارجی و ورزش کشور
ما به در ایران بلکه در
اردوگاههای شورشیان امعایی
در پاکستان تدوین و تعیین
می شود. شرکت ورزشکاران
ایرانی در مسابقات المپیک
گذشته از آن که تعام و
دوستی مردم ایران را با
مردم شوروی و سایر مردم
جهان مستحکم می ساخت.
ورزشکاران و مرسان ورزش
ایران را با حریمات
گراتهایی که اتحاد شوروی
در امر ورزش و هدفهای
آموزشی و بهداشتی آن کس
کرده است، آشنا می ساخت
از همین رو است که تصمیم
دولت در میان مردم بویزه
ورزشکاران با واکنس منفی
و اعتراض روبرو شده است.

ری اتخاذ بعضی تصمیم‌ها
و عملکردهای وزارت خارجه
دولت جمهوری اسلامی ایران
با سیاست‌های امپریالیسم
همسویی داشته و باعث
تقویت سیاست تجاوزکارانه
امپریالیسم در منطقه گشته
است که شدیداً با منافع خلق
ما در تضاد است. مواضع
هیئت نمایندگی ایران در
کنفرانس اسلام آباد نسبت به
امپریالیسم آمریکا چنان
ضعیف بود و با آن همسویی
داشت که عملاً در کنار رژیم
حایتکار پاکستان قرار
می گرفت. همسویی دیگر
دولت ایران با سیاست
ورزشکته امپریالیسم آمریکا و
متحدین مردور و بزادپرست
نظیر اسرائیل و آمریقای
جنوبی، تصمیم گیری سست
به عدم شرکت ورزشکاران
ایرانی در بازیهای المپیک
است. حالت ترحم است که
نظر مخالف شورشیان
افغانستان در این

شرکت ورزشکاران پیش از
پسندگشور در المپیک مگو،
پاردیگر انحطاط و ورزشکتنی
سیاست‌های امپریالیسم آمریکا
را بمنمایش گذاشت. آمریکا
تمام قدرت خود را به کار
بسته بود، که با تهدید و
فشار مانع از برگزاری المپیک
مگو شود. تا بدین طریق
شکست‌های متضامانه خود را
بر مرز جهانی لایوشانی
کند و به اصطلاح قدر قدرتی
خود را حفظ کند. ولی
کوشش‌های آمریکا به نتیجه
نرسید. متحدین آمریکا در
امر تحریم المپیک مگو،
رژیم‌های دست نشاندهای
نظیر پاکستان، مصر،
اسرائیل و آفریقای جنوبی
بودند که عدم شرکت آنها
و نبودن پرچم آنها فضای
المپیک را سالمتر کرده است.
سیاست‌های خارجی دولت
جمهوری اسلامی ایران در
واحدگتن همون نمی خورد و با
رژیم‌های فوق تفاوت دارد.

گرامی باد خاطر مبارزات خونین کارگران کوره پزخانه های تهران

استثمارگران سرمایه داری
مبارزه می کنند. کارگران
کوره پزخانه همراه با همه
کارگران و زحمتکشان میهن
با ادامه راه شهدای ۲۲
خرداد ۳۸ که همانا محور
نظام بهره کشی و ستم
سرمایه داری است خاطره آن
قهرمانان را گرامی می داریم.

صمد) که در جریان
سازماندهی این حرکت شرکت
فعال داشت توسط پلیس شاه
بازداشت و مدت دو سال در
زندان قزل قلعه زندانی شد.
اکنون که ۲۱ سال از این
مبارزات خونین کارگران
کوره پزخانه می گذرد، کارگران
مبارز کوره پزخانه‌ها با
بهره گیری از سبهای
مبارزانی خود بر علیه ظلم
کارفرمایان و نظام

کارگر کوره پزخانه در یک پیکار
نا برابر به خاطر اندامی ترین
حقوق کارگری در خون
علم شدند. دهها نفر از
سازماندهندگان این حرکت
بازداشت و روانه زندان‌های
شاه شدند. در جریان این
اعتصاب عظیم فعالین
جسد کارگری با تمام توان
خود در این حرکت شرکت
داشتند. فدایی شهید،
رفیق محمد چوپانزاده (اوس

کار، فشار شدید اقتصادی
کارگران را به حیایان کشاند.
روز ۲۳ خرداد آجری ساخته
نشد و دودی از دودکش‌های
بلند کوره‌ها برخاست.
حرکت نوظفده ۳ هزار کارگر
مبارز و خشمگین کارفرمایان
و رژیم حامی آنها را به
وحشت انداخت. ساواک
پلیس و زاندارمری برای
درهم شکستن اعتصاب
کارگران بسیج شدند. دهها

در ۲۳ خرداد ۱۳۳۸
۳۰ هزار کارگر مبارز
کوره پزخانه های تهران که در
شرایط طاقت فرسا و ظالمانه ای
در دخمهای اطراف
کوره پزخانه‌ها
خانواده‌هاشان زندگی
می کردند رای اضافه دستمزد
و بهبود شرایط کار دست به
اعتصاب زدند. استثمار
وحشیانه کارفرمایان، ساعات
طولانی و شرایط توانفرسای



پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر